

رای مردم سرنگونی جمهوری اسلامی است!

مضحکه "انتخابات" را به شکست دیگری برای رژیم اسلامی تبدیل کنیم!

قاتل کشتار جمعی ۶۷ را "رئیس جمهور میکنند"

جنبش آزادیخواهی در بوته آزمایش

صفحه ۵

رحمان حسین زاده

سمینارهای روز گرامیداشت منصور حکمت

خلع ید بازگشت به نقطه صفر نیست

به یاد محمد سرخی

صفحه ۶

جاوید حکیمی

منصور حکمت از نگاه من

در گرامیداشت روز منصور حکمت

صفحه ۸

سعید یگانه

تفاوتهای کمونیسم منصور حکمت

صفحه ۱۵

سیاوش دانشور

کردستان جای تروریسم اسلامی نیست

صفحه ۱۴

پردل زارع

یادداشتها

نمایش انتخابات

سیاوش دانشور

اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست علیه حضور

سلفی - داعشی ها در کردستان

در دفاع از آزادی و امنیت مردم

۵۹۷

مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۷ خرداد ۱۴۰۰ - ۲۸ مه ۲۰۲۱

نفتگران برگشته اند!

جامعه به شما چشم دوخته است!

دور جدید اعتراضات کارگران و کارکنان صنعت نفت و گاز در هفته جاری، ادامه اعتصابهای گسترده کارگران پروژه‌های نفت، گاز و پتروشیمی در مرداد ماه سال ۱۳۹۹ است که طی آن دهها شرکت و پالایشگاه و اسکله و نیروگاه‌های برق در آن شرکت داشتند. آن اعتصابات نسبتاً خاموش و در بیشتر پالایشگاه‌ها بیرون محیط کار، نهایتاً به عقب نشینی هائی از جانب پیمانکاران در افزایش دستمزدها و وعده‌های وزارت نفت و زنگنه منجر شد. در این اعتصابات کارگران خواهان بهبود شرایط کار و امکانات رفاهی، پرداخت ب موقع دستمزدها و افزایش دستمزدها، رفع تبعیض میان کارگران پیمانی با کارگران رسمی، برچیدن قراردادهای سفید و شرکتهای پیمانی و استخدام توسط وزارت نفت شدند.

درصد بالائی، تقریباً هفتاد پنج درصد کارگران و کارکنان شرکت نفت و گاز پیمانی هستند. این کارگران پیمانی سابقه کار و تجربه پنج تا ده سال و مواردی بالاتر دارند اما هنوز بصورت پیمانی کار می کنند، فاقد امنیت شغلی اند و مزایای حقوقی و رفاهی کارگر رسمی به آنها تعلق نمی گیرد. شرکتهای پیمانی و قراردادهای سفید و نالیمن با دستمزدهای پائین، بعنوان دوقلوی سیاست خصوصی سازی، توسط همین

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

نفتگران برگشته اند!

جامعه به شما چشم دوخته است ...

کارفرمایان سرهم میشود تا تعهد و هزینه کارفرما را حداقل امکان کاهش دهد. پیوستن کارگران رسمی و حمایت آنها از خواست کارگران پیمانی و پروژه ای و برافراشتن پرچم رفع تبعیض، اتحاد قویتری میان کارگران شرکت نفت ایجاد کرد که انعکاس آن در اجتماعات تهران مقابل وزارت نفت و قطعنامه اول مه قابل مشاهده است. اما هم کارفرمایان افزایش دستمزدها را عملی نکردند یا روال افزایش را دستکاری و ناچیز کردند، و هم وعده های وزارت نفت و اجرای بخشنامه هائی که زنگنه ادعا میکرد، هنوز محقق نشدند. برای کارگران پیمانی با سابقه کار و تجارب طولانی آزمون گذاشتند و وقت خریدند و باز دروغ گفتند.

اعتراضات دور اخیر از اواسط اردیبهشت اینبار توسط کارگران رسمی نفت آغاز شد. روز بیستم اردیبهشت کارگران رسمی نفت در تهران مقابل مجلس تجمع کردند و همزمان و همراه با آنها بخشی از همکارانشان در اهواز در مقابل شرکت ملی نفت دست به اجتماع زدند. روزهای آخر اردیبهشت کارگران اخطار دادند که اگر خواستههایشان بیش از این به تعویق بیافتد دست به اعتصاب میزنند.

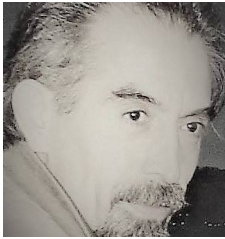
اعتصاب و اعتراض زنجیره ای

نحوه افزایش ناچیز دستمزدها و مزایا که با توافقات قبلی فاصله بسیار دارد، با اعتراض برحق کارگران مواجه شده و روز شنبه اول خرداد، ابتدا متخصصان عملیاتی رسمی صنعت نفت در شرکت نفت و گاز پارس در سکوهای نفتی دست به اعتصاب و اجتماع زدند. یکروز بعد، مهندسين نفت و گاز و کارکنان سکوهای گازی پارس جنوبی، نیز در مورد عدم افزایش حقوق پرسنل شرکت نفت در مناطق عملیاتی جنوب ایران هشدار دادند که اگر حقوق ها افزایش پیدا نکند دست به اعتصاب میزنند. اعتراض به عدم افزایش حقوق ها و در مواردی افزایش بسیار ناچیز آن گسترش یافت. روز سه شنبه چهارم خرداد کارکنان رسمی هلدینگ نفتی خلیج فارس با تاکید بر غیر قابل قبول بودن این حقوق ها، در اعتراض به اجرایی نشدن افزایش دستمزد ۲۵ درصدی مورد توافق قرار گرفته در اعتصابات مرداد ماه، دست از کار کشیدند و در منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی بندر خمینی دست به تجمع و اعتراض زدند. روز چهارشنبه پنجم خرداد، کارکنان رسمی شرکت نفت فلات قاره واقع در منطقه عملیاتی لاوان، با همین اعتراض عدم افزایش ۲۵ درصدی دستمزدها، با فراخوان قبلی در محل کار وارد اعتصاب و اعتراض شدند.

اجتماع در تهران، راهپیمایی در اهواز و عسلویه

در ادامه و همزمان با اعتراضات و اعتصابات در مناطق مختلف، طی فراخوانی جمعهای از کارکنان رسمی شرکت نفت از شهرهای مختلف در تهران مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند. همزمان با اجتماع نفتگران در تهران، کارگران رسمی شرکت نفت در شهرهای آبادان، اهواز،

گچساران و پالایشگاههای پارس جنوبی دست به تجمع و اعتراض زدند.



در اهواز کارگران رسمی شرکت نفت در مقابل یکی از ورودی های مجموعه مناطق نفت خیز جنوب اجتماع و راهپیمایی کردند. کارگران در پاسخ وعده های عملی نشده زنگنه و وزارت نفت از جمله شعار میدادند: "مرگت باد زنگنه

دروغگو"، "زنگنه، زنگنه، ننگت باد، ننگت باد"! در عسلویه کارگران و کارکنان رسمی شرکت نفت نیز در اجتماع خود و در اعتراض به عدم افزایش حقوق ها، علیه وزیر نفت و مجلس شعار دادند: "وزیر خیانت می کند، مجلس حمایت می کند"! این شعار در پاسخ به نامه مجلس به وزارت نفت است که در آن عنوان شده بدلیل کسری بودجه در سال جاری، وزارت نفت دستمزدها را افزایش ندهد. از شعارهای دیگر از جمله "بترسید، بترسید، ما همه با هم هستیم" و "زنگنه حیا کن، وزارت رو رها کن" بودند. این اعتصابات و اعتراضات هنوز جنبه اخطاری دارد و همه کارگران و کارکنان در آن شرکت نکردند. اما طی چند روز اول خرداد ماه در شرکتها و مناطق مختلف اعتصاب و اعتراض و راهپیمایی با فراخوان قبلی و خواست یکسان و متحدانه شکل گرفت.

این وضعیت در پتروشیمی ها هم کمابیش برقرار است و چند تجمع و اعتراض کارگران پتروشیمی ها با خواستههای کمابیش مشابه از درد مشترکی سخن میگوید. اعتراض کارگران معادن آسمنون کرمان، اعتراضات کارگران هفت تپه، زمزمه های نارضایتی و تحرک در ماشین سازی ها، اعتراضات و اجتماعات معلمان و پرستاران پیمانی و شرکتی و ... همه روی چند محور تمرکز دارد: ایمنی شغلی، تقابل با خصوصی سازی و حذف شرکتهای پیمانی و قراردادهای سفید و موقت، استخدام رسمی و مستقیم توسط شرکتها و وزارتخانه های مربوطه، افزایش دستمزدها تا سطح دوازده میلیون از خواستههای اساسی طبقه کارگر ایران است.

کارگران نفت و گاز و صنایع بزرگ ایران نقش تعیین کننده در پس راندن کارفرمایان و دولت دارند. اهرمی که نفتگران در دست دارند قوی و کارساز است. اهرمی که میشود با آن گلوی بورژوازی اسلامی را فشار داد و معادله سیاست در ایران را زیر و رو کرد. جامعه اسیر جمهوری اسلامی با چرم وسیع انفجاری علیه فقر و فلاکت و گرانی، از پرچمی که کارگران نفت برافراشته اند وسیعا حمایت میکند. کارگران نفت میتوانند بار دیگر به محبوب میلیونها انسان زحمتکش و به رهبر آزادی جامعه بدل شوند. میتوانند بار دیگر شیخ "کارگر نفت ما رهبر سرسخت ما" را در فضای ایران به پرواز دریاورند. اتحاد تاکتونی کارگران نفت یک نقطه قدرت بسیار مهم است. در شرکت نفت، تکیه بر سنت مبارزاتی عمل مستقیم کارگری و شورائی قدیمی است. کارگران نفت در انقلاب ۵۷ پرچمدار سازمانهای شورائی طبقه کارگر بودند. امروز که شورا و "اداره شورائی" به لطف مبارزات درخشان کارگران هفت تپه به پرچمی در جامعه و در اعتراض به وضع موجود بدل شده است، کارگران نفت می توانند در تحکیم این سنت و هژمونیک کردن این افق نقش مهمی ایفا کنند.

اعلامیه دفتر مرکزی حزب حکمتیست

در گذشت نابهنگام رفیق سالار آسنگر را تسلیت میگوییم



با اندوه و تاسف عمیق اطلاع یافتیم، روز یکشنبه ۲۳ مه ۲۰۲۱ رفیق سالار جبار (سالار آسنگر) کمونیسیت شناخته شده و محبوب، عضو کمیته سلیمانیه حزب کمونیسیت کارگری کردستان بر اثر سکت قلبی جانباخت. رفیق سالار آسنگر کارگر آگاه، کمونیستی شناخته شده و پیگیر و همیشه حاضر در صحنه های پرشور مبارزات کارگران و مردم کردستان عراق بود. او در سه دهه اخیر، فعالیت هدفمند و کمونیستی خود را در صفوف حزب کمونیسیت کارگری عراق و حزب کمونیسیت کارگری کردستان پیش برد. بی تردید مرگ نابهنگام رفیق سالار آسنگر لطمه جدی برای جنبش کارگری و کمونیستی کردستان و حزب کمونیسیت کارگری کردستان محسوب میشود.

حزب کمونیسیت کارگری - حکمتیست درگذشت رفیق سالار آسنگر را به همسر و فرزندان و بستگانش، به رهبری و اعضای حزب کمونیسیت کارگری کردستان تسلیت میگوید. ما در این اندوه و ضایعه خود را شریک میدانیم. یاد او را با پافشاری بر اهداف کمونیستی و کارگری اش گرامی میداریم.

زنده باد یاد کمونیسیت محبوب سالار آسنگر

دفتر مرکزی حزب کمونیسیت کارگری ایران - حکمتیست

۲۴-۵-۲۰۲۱



اعتراض کارگران سکویای دریایی پارس جنوبی

نفتگران برگشته اند!

جامعه به شما چشم دوخته است ...



تمایلاتی میان بخشی از کارگران و فعالین هست که مسائل را مرتباً به دالانهای تو در تو و بی خاصیت اداری احاله میدهد، از اتکا به قدرت توده ای کارگران طفره میرود، وقت میخرد و کارگران را در انتظار نگاه میدارد. وضعیت امروز بخشاً حاصل غیرکارساز بودن این سیاست است. در این چند سال باندازه کافی تومار امضا شده، نامه به هر جایی ارسال شده، بحث آزمون و بخشنامه های وزارت نفت و غیره آمده و رفته، وعده و توافق بعد از اعتصابات مرداد ماه صورت گرفته؛ اما باز زیرش زدند و باز از انجماد دستمزدها حرف میزنند. نظر به وضعیت وخیم و متحول جامعه، هیچ سیاست انتظاری قابل توجه نیست، هیچ وعده و مسیر نهادهای قانونگذار مثل مجلس جوابگو نیست و تجربه امروز کارگران نفت همین را میگوید و اثبات می کند.

رئیس سرجلاد اعظم که قرار است جنایتهای روحانی را ادامه دهد، اولین نشست انتخاباتی اش را با اتاق بازرگانی و سرمایه داران می گیرد، از بخش خصوصی و بازاری کردن همه چیز میگوید، به سرمایه داران و کارفرمایان وعده و اطمینان خاطر میدهد. از پیش معلوم است که چه خوابی برای کارگران و آخرین رمق ما دیده اند. اینبار باید روشن تر و قویتر حضور پیدا کنیم. ضمن درک شرایط کرونائی مرداد ماه سال گذشته، اشتباه دوره قبل را نباید تکرار کرد، اعتصاب و اعتراض نباید در خاموشی و بیرون سوخت و ساز جامعه و فضای سیاسی رخ دهد. اعتصاب کارگران نفت و گاز در شهرهای مختلف باید به مهمترین خبر جامعه تبدیل و با امواج حمایت گسترده روبرو شود. این یک شرط مهم پیشروی و پیروزی های سنگر به سنگر است.

از فضای موقت پیشا "انتخاباتی" بنحو احسن استفاده کنیم، برای سالروز اعتصابات گسترده سال قبل آماده شویم، اعتصابات اختطاری و زنجیره ای و اجتماع و راهپیمائی را ادامه دهیم و همزمان برای یک ابراز وجود و اعتصاب قدرتمند آماده شویم. آنچه نفتگران می گویند حرف دل دهها میلیون کارگر و زحمتکش و آزادیخواه است. جامعه به شما چشم دوخته است. درود بر رزم و اتحاد کارگران نفت!

سردبیر.

۷ خرداد ۱۴۰۰

رای مردم سرنگونی جمهوری اسلامی است!

مضحکه "انتخابات" را به شکست دیگری برای رژیم اسلامی تبدیل کنیم!

کسب مشروعیت فرمال حکومتی ها و طبقه سرمایه دار است. ما این بازی را برهم میزنیم و سنگرهای خود را محکم می کنیم. همه جا پوسترها و بیلبردهای انتخاباتی را پاره کنید و آتش بزنید. هر تجمع و عوامفریبی کاندیداها را به صحنه اعتراض علیه حکومت تبدیل کنید. در شهر و روستا به افراد سوذجو و فرصت طلبی که برای نشستن دور سفره خون برای عضویت در شورای اسلامی ثبت نام کرده اند هشدار دهید. هر جا که میتوانیم گوشمالی شان دهیم و اعلام کنیم اقدام آنها همکاری با جمهوری اسلامی است و باید پاسخگو باشند. هر کسی که برای حکومت تبلیغ میکند را از میان خود طرد کنید. اجازه ندهیم کارنوال انتخاباتی راه بیانازند، تریبون بگیرند و چرند بگویند. هر تحرک "انتخاباتی" را به تعرضی قاطع تبدیل کنیم. در فضای انتخابات به اعتراض و اعتصاب کارگری دامن زنیم و بر تهیه لوازم زندگی و معیشت مکفی، برای دسترسی به دارو و درمان و بهداشت، بر حق واکسیناسیون فوری و رایگان همگانی تاکید کنیم.

همه جا اعلام کنید که آزادی هیچوقت از صندوق رای درنیامده است، این دروغ بزرگ را برسر گویندگانش بکوبید. انتخابات تنها زمانی واقعی و برابری آزاد است که اختناق و استبداد، حکومت جنایت و فلاکت برانداخته شود. انتخاب کارگران و مردم آزادیخواه ایران روشن و معرفی است؛ نابود باد جمهوری اسلامی! نابود باد حکومت فقر و فلاکت و بیکاری و بیماری! زنده باد آزادی و برابری و رفاه! مردم ایران خواهان محاکمه کلیه سران و عاملین چهار دهه هولاکاست اسلامی در دادگاههای علنی و منتخب مردم هستند. نمایش انتخابات را به شکستی همه جانبه برای رژیم اسلامی بدل کنیم.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۰ - ۲۰ مه ۲۰۲۱

جامعه ایران روندهائی برگشت ناپذیر را از سر گذرانده و سنگرهای را فتح کرده است. خیزشهای انقلابی برای سرنگونی حکومت مجالی برای عنتربازی مشتی جنایتکار حرفه ای، تروریست و قاچاقچی بین المللی مواد مخدر باقی نمی گذارد. هیچ ترنند و تحریک ذائقه سیاسی جامعه نمی تواند بن بست کنونی را برای حکومت بشکند. برعکس، هر عقب نشینی صوری و تاکتیکی، هر اخذ سر و دم بریده شعارهای به عاریت گرفته از مبارزات کارگران و مردم، تنها در تنور آتش فروزان تعرض جامعه و کارگران می دمد. صورت مسئله رژیم اسلامی اینست که از مهندسی انتخابات حکومتی یکدست تر برای مقابله با اعتراض سرنگونی طلبانه بیرون بیاورد. صورت مسئله کارگران اینست که حکومت شکست خورده را گام جدی تری به عقب برانند و برای زدن ضربه نهائی آماده شوند. صورت مسئله ما و طبقه کارگر و اردوی آزادیخواهی اینست که آگاهانه شکست حکومت در این نمایش را همه جانبه تر و کمر شکن کنیم.

فراخون ما اینست که در مناسبت و فضای نمایش انتخابات حکومت جنایتکاران، فعالانه دخالت کنیم. صریح هر جا و همه جا بگوئیم شرکت در این نمایش با هر توجیهی نادرست، ضد منافع مردم و در خدمت بقای حکومت اسلامی است. تائید گلوله هائی است که بر سر و تن عزیزان ما در آبانماه شلیک شد، تائید شکنجه و اعدام و سرکوب، تائید فقر و فلاکت و استبداد و آپارتاید است. در دیماه گفتیم: "اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه نمومه ماجرا!!" در آبانماه آمدیم که ماجرا را تمام کنیم. کسی که انتظار دارد مردم در "انتخابات" شرکت کنند، اگر همدست رژیم خامنه ایها نباشد، بدون تردید با آنها منفعت مشترکی دارد. کسی که می رود "رای" میدهد، خواسته یا ناخواسته، حکومت قاتلین فرزندان مردم را تائید می کند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست کارگران و مردم آزادیخواه ایران را فرامیخواند که نمایش "انتخابات" ریاست جمهوری و میاندوره ای مجلس و شورای های شهر و روستا را به اعتراضی گسترده و میلیتانت علیه بنیادهای حکومت اسلامی بدل کنیم. انتخابات بازی تقسیم قدرت و

**کارگران در اعتراضات به مجمع
عمومی متکی شوید!
جنبش مجمع عمومی کارگری را
گسترش دهید!**





کلام شاخ و شانه کشیدن به مردمی است که قصد گسترش مبارزه تا سرنگونی جمهوری اسلامی را در دستور دارند. مساله اینست این اعلام قلدری و گانگستریسم آیا پاسخ شایسته را از مردم مبارز و جنبش آزادیخواهانه میگیرد؟

جنبش آزادیخواهی در بوته آزمایش!

جنبش آزادیخواهانه برای کوتاه کردن دست جمهوری اسلامی از سر مردم در این مقطع خاص با مصافی شاخص روبرو است. جمهوری اسلامی گستاخانه وانمود میکند، این همه اعتراض و مبارزه علیه اعدامهای دسته جمعی و نظام سراپا جنایتش را به حساب نمی آورد! گویا در بر همان پاشنه میچرخد و قتل عام و اعدامها توسط ماهرترین آدمکش اش این بار سازماندهی میشود. این گستاخی و قلدری از جانب مردم و همه جنبشهای اعتراضی رادیکال و در یک کلام توسط جنبش آزادیخواهانه لازمست پاسخ بگیرد. این کارهای ویژه از همه نیروها، کمپینها و نهادهای آزادیخواه و به ویژه از ما نیروهای چپ و کمونیست میخواید. مسئله این است آیا این کارهای ویژه را در دستور میگذاریم؟ اعلام قلدری و برجسته کردن شخص رئیسی در عین حال پاشنه آشیل این رژیم هست و میتواند به زانویش درآورد. به شرطی که جنبش آزادیخواهانه آن کارهای ویژه را در همین رابطه در دستور بگذارد. خوش خیال نیستیم و قطعاً منظور این نیست، در سه هفته باقی مانده، میشود، جمهوری اسلامی را از اسم گذاری "رئیس جمهور" بر قاتل رئیسی پشیمان کرد. اصلاً صورت مسئله این نیست. صورت مسئله این است با تشدید ابتکارات مبارزاتی در داخل و در خارج کاری کرد که جمهوری اسلامی هزینه سنگین گستاخی خود را بپردازد. بسیار تضعیف شده تر و ضربه خورده تر این بساط را پشت سر بگذارد. اما مهمتر بعد از پایان مضحکه "انتخابات" و تعیین رئیسی جلد، حق به جانبی بالاتر مبارزاتی در جنبش اعتراضی و آزادیخواهانه به وجود می آید و فرصت برای تعرض همه جانبه تر علیه جمهوری اسلامی فراهم میشود. در نتیجه سازماندهی بیشتر و گسترده تر بخشهای مختلف و معترض جامعه را در صف جنبش سرنگونی و جنبش آزادیخواهانه را باید ممکن کرد. با چنین پتانسیل مبارزاتی جهش به طرف سرنگونی را میتوان سرعت بخشید.

یک جنبه مهم، افکار عمومی جهانی و بخش پیشرو و مترقی بشریت را به اعتراض علیه حاکمیت قاتلان اسلامی و رئیسی ها فراخواند. کاری کرد، پایتخت کشورهای اروپایی به عرصه دائمی به تنگ در آوردن سران جمهوری اسلامی تبدیل شود. کاری کرد رئیسی جلد از ترس اعتراضات گسترده نتواند پای به این کشورها بگذارد. دولتهای مختلف به ویژه در اروپا و غرب را به خاطر بند و بست و معامله و زیر بغل گرفتن حکومت قاتلان اسلامی زیر فشار اعتراضی گرفت. در اروپا و هر جا که ممکن است وکلای مترقی و باتجربه پرونده جنایات رئیسی را آماده و امکان دستگیری وی را فراهم کنند.

اکنون وقت آن است جنبشهای اعتراضی رادیکال، نیروهای چپ و کمونیست و همه کمپینها و نهادهای آزادیخواه و ضد اعدام، وکلای مترقی با ابتکارات مختلف گستاخی جمهوری اسلامی را به عرصه تعیین تکلیف جدی با این رژیم و سرنگونی آن تبدیل کنیم. همه ما و جنبش آزادیخواهی در بوته آزمایش هستیم.*

قاتل کشتار جمعی ۶۷ را "رئیس جمهور میکنند"

جنبش آزادیخواهی در بوته آزمایش

رحمان حسین زاده

صندوق چرخانی و رای گیری برای تعیین "رئیس جمهور" در حکومت اسلامی همیشه مضحکه و امسال از همیشه مضحکه تر، نمایشی پوچ تر و اسم گذاری "انتخابات" بر روی آن بیش از هر زمان توهین به شعور انسانها در یک جامعه هشتاد میلیونی متنفر از گانگستریسم اسلامی است. بساط امسالشان بیش از هر دوره ای سوت و کور است. از هم اکنون آمارهای جعلی و قلابی منابع حکومتی، عدم شرکت اکثریت عظیم مردم را پیش بینی و حتی تبلیغ میکنند. خامنه ای و سپاه پاسداران گرداننده این معرکه گیری برخلاف گذشته قید "حضور مردم" و کسب "مشروعیت" حتی فرمال هیچ وقت نداشته نظامشان را زده اند. قضیه یک دست کردن حاکمیت و فشرده و محکم کردن صف گانگستریسم برای مقابله با کابوس به میدان آمدنهای بسیار گسترده تر و کوبنده تر از دی ماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ توده مردم جان به لب رسیده از دست این حاکمیت سپاه است. آنها خوب میدانند، کارگر و توده مردم، در فکر گردآوری نیرو و سازمانیافته کردن صفوف خود برای تعرض نهایی و در هم پیچیدن کلیت این نظام اند. با کوبه بینی و به زعمشان برای مقابله با موج در هم کوبنده اعتراض توده ای به ساختار گانگستری چنان فشرده و ارتجاعی نیاز دارند که "موی لای درز" آن نرود. اما کورخوانده اند. با چنین ترندهایی هم نمیتوانند نظامشان را از سقوط نجات دهند.

قرار است یک قاتل را "رئیس جمهور" کنند

نتیجه برگماری مهره های تعیین شده شورای نگهبان تحت نام کاندیدا و تایید بی چون و چرای سردسته جنایتکاران خامنه ای بر آنها یعنی شاخص ترین قاتل از میان همه قاتلین جمهوری اسلامی را این بار با اسم و لباس "رئیس جمهور" در مقابل مردم قرار میدهند. تردیدی نیست همه مقامات رده بالا و سران جمهوری اسلامی و همه کاندید شده های ریاست جمهوری از دوره بنی صدر تا دوره کنونی روحانی و هفت نفر اخیر از قاتلین و جنایتکاران رژیم فاشیستی مذهبی بوده و هستند و آنها که زنده میمانند، با همین عنوان در فردای پیروزی مردم باید محاکمه و به سزای اعمالشان برسند. در این تفاوتی نیست!

اما این بار برجسته کردن رئیسی، یک معنای فراتر از نمایش "صندوق چرخانی و رای گیری" برای مردم ایران، برای افکار عمومی جهان، برای همه نیروهای آزادیخواه و دادخواه، برای همه مبارزین ضد اعدام در ایران و دنیا و برای شاهدان قتل عامهای دهه شصت و بویژه برای شاهدان و زجردیدگان هالوکاست اسلامی سال ۶۷ را دارد. این رژیم و سردسته جنایتکاران و سپاه پاسداران و شورای نگهبان و کل این حکومت مخوف با قلدری و گستاخی و قبحخانه این پیام را میدهند که "قاتل شاخص نظام، عضو گروه مرگ ۶۷ فرزندان، کسی که تبحرش سازماندهی اعدامهای جمعی" است، دقیقاً به دلیل همین تجربه و تبحر جنایتکاریش برکرسی "رئیس جمهوری" می نشانیم. این دیگر صحنه گردانی نمایش "انتخابات" نیست. این دهن کجی به کل مبارزات آزادیخواهانه و دادخواهانه علیه نسل کشی و قتل عامهای جمعی دهه شصت، این دهن کجی به همه مبارزات جانانه علیه اعدامها و در یک

خلع ید بازگشت به نقطه صفر نیست

به یاد محمد سرخی

جاوید حکیمی



در ارتقاء روحیه تهاجمی طبقه، هزار کیلومتر آنسو تر و در میان کارگران معادن استان کرمان مشاهده شد. دوشنبه بیست و هفتم اردیبهشت کارگران معادن آسیمون کرمان دست از کار کشیدند. واقعه از اینقرار بود که علیمحمدی مالک معدن، تمدید قرارداد با کارگران را به شرکت های پیمانی محول می کند. بدینسان معدن عملاً به اردوی کار اجباری بدل شده و

علاوه بر آن عذر بسیاری از کارگران را تحت عنوان تعدیل نیرو می خواهند. سه شنبه، کارگران جاده ترانزیتی بندرعباس- هنوج را مسدود و با دخالت پلیس و یگان ویژه، به سمت محور هرمزگان کوچ کرده و در جاده و درون تونل تحصن می کنند. چهارشنبه مالک معدن درست شبیه زالوی هفت تپه با مشت و عده و وعید از جمله عقد قرارداد دو ماهه با کلیه کارگران وارد میدان می شود. پاسخ کارگران اما به تاسی از هم طبقه هایشان در هفت تپه کوتاه و کوبنده است؛ قرارداد یکساله را هم قبول نداریم؛ خلع ید! پنج شنبه حکومت از ترس تکثیر هفت تپه تسلیم می شود و پای مذاکره می آید. استئمارگران در پایان جلسه به بخش وسیعی از خواسته های کارگران گردن می نهد. معلوم شد خواست خلع ید نه فقط متحد کننده کارگران است، نه فقط صفوف به ظاهر یکپارچه دشمن طبقاتی را هزار شقه می سازد بلکه نانی به سفره کارگران می آورد و قراردادهای دو ماهه را یکساله می کند. زالوهای معدن ظرف کمتر از پنج روز تن به "توافق" دادند چرا که می دانستند اگر این جدال پنج سال هم طول بکشد کارگران ایستاده اند. می دانستند اکنون هفت تپه به الگوی همه کارگران بدل شده است. کارگران معدن هیچ توهمی به زالوها ندارند و تهدید کرده اند با مشاهده کمترین نشانه های خلف وعده دوباره به خیابان می آیند. بی گمان پیروزی کارگران معدن آسیمون متأثر از موفقیت کارگران هفت تپه است و خود می تواند مشوق کارگران سایر بخش های جنبش کارگری گردد. چنین است دیالکتیک مبارزه طبقاتی.

به هفت تپه بازگردیم؛

پیچیدگی و در واقع خودویژگی آشکال مبارزه طبقه کارگر و در اینجا هفت تپه از نامتعارف بودن سرمایه داری ایران و داعشی بودن رژیم سیاسی حاکم نشئت می گیرد. حکومت اسلامی بسیاری از واحدهای تولیدی را تعطیل و کارگران آنها را به خاک سیاه نشانده است. زالوها در هفت تپه نیز قصد داشتند- و دارند- با غارت ماشین آلات شرکت و غرق کردن آن زیر بار میلیاردها بدهی، از هفت تپه مخروبه ای بسازند و کارگزارش را برای امرار معاش رهسپار زباله گردی کنند. یک عرصه مهم کشمکش کارگران با زالوها همین جدال بر سر بقای کارخانه است، امری که دخلی به کارگران نداشت اگر حکومت ایران داعشی نبود. در کشوری که بر سر زناش حجاب می کنند و به صورتشان اسید می پاشند، عجیب نیست اگر بقای کارخانه نیز دغدغه کارگر گردد. ایران شاید تنها کشوری در جهان باشد که طبقه کارگرش هم اعتصاب می کند و هم دلشوره تعطیلی ممر امرار معاش را دارد. تنها کشوری است که سازماندهندگان اعتراضات مجبورند برای مثال بخش خدمات و تجهیزات را تشویق به اعتصاب کنند و بخش آبیاری را دعوت به ادامه کار. این معضل را کارگران اکثر واحدهای تولیدی از جمله فولاد خوزستان هم داشتند. آنجا نیز کارگران روزها برای مطالبه دستمزدهای معوقه اعتصاب می کردند و شب ها برای جلوگیری از سرقت ماشین آلات، نگهبانی می دادند.

هفت تپه روزهای سختی را از سر می گذراند؛ دوره گذار، دوره برزخ. به رغم خلع ید، عوامل زالو با امنیت کامل در شرکت پرسه می زنند و مشغول غارت وسایل هستند. آب را به روی مزارع نیشکر بسته اند و عامدانه قصد دارند هفت تپه را به زمینی لم یزرع تبدیل کنند. قوای سرکوبگر وارد شرکت شده است تا با ایجاد فضای رعب و وحشت تاثیر پیروزی بر روحیه کارگران را زایل نمایند. حامیان کارگران را بازداشت و پروانه وکالت وکیل مدافع شان را به حالت تعلیق درآورده اند. حکومت در حالی فشار فیزیکی و جنگ روانی علیه کارگران را از درون و بیرون به حداکثر ممکن رسانده که سالها مبارزه طولانی، اعتصابات طاقت فرسا، دستگیری، زندان، شکنجه و صدها پرونده مفتوح قضایی، رمق کارگران را کشیده است. چپ خرده بورژوا نیز در مقام "معلم آگاه"، تیغ تیز نقد متافیزکش را یک لحظه از گلو رهبران کارگری برنمی دارد؛ تو گویی هفت تپه نه مایه مباحث جنبش کارگری بلکه بدهکار این چپ فرقه ای است. اینها هفت تپه را یا شورایی می خواهند یا هیچ. اما تلخ ترین واقعه، مرگ و به عبارت صحیح تر قتل دلخراش محمد سرخی، کارگر دفع آفات حین کار بود. نوشته زیر به محمد سرخی کارگر رزمنده پایتخت اعتصاب جهان تقدیم می شود.

نام ها و روزها بیهوده در یادها نمی مانند. این طبقات اجتماعی هستند که در کشاکش نبرد خونین، نام ها و نقاط عطف مبارزه خویش را در تاریخ ثبت و ضبط می کنند. یک طرف ظهور و سقوط زالوهای خویش را جشن و عزا می گیرند؛ جبهه دیگر روزهای شکست و پیروزی خود را جاودانه می کند.

هشتم می مصادف با هجدهم اردیبهشت، روز رسمیت دادن به خلع ید، روز تسلیم شدن قوای سه گانه حکومت اسلامی مقابل اراده کارگران هفت تپه، در حافظه توده ها باقی خواهد ماند. دقیق تر بگوییم، ما کمونیست ها تضمین می کنیم این روز به مثابه نقطه عطفی در تاریخ مبارزات جنبش کارگری جاودانه گردد. در همان ساعات اولیه اعلام خلع ید، ما کمونیست ها ضمن تبریک صمیمانه به کارگران هفت تپه، نوشتیم این پیروزی شیرین نه فقط از آن شما که دستاوردی بزرگ و با ارزش برای کل جنبش کارگری است. خاطر نشان کردیم این موفقیت عظیم، روحیه رزمندگی کل طبقه را افزایش، عزت نفس آنان را تقویت و هفت تپه را به الگوی مبارزاتی سایر بخش ها مبدل خواهد نمود. کم نبودند کسانی که می گفتند خلع ید مگر نانی به سفره کارگران اضافه می کند که شایسته جشن گرفتن باشد! می گفتند خواست خلع ید خطاست و بازی در زمین حکومت! و ما جواب دادیم آنچه خطاست ببینش متاقبزیکی، ایستا و محدود شماسست. خطا، رادیکالیسم کاذب و کم بها دادن به پیروزی های ولو کوچک کارگران است.

کمتر از ده روز بعد، نخستین تاثیر پیروزی شکوهمند هفت تپه ای ها

خلع ید بازگشت به نقطه صفر نیست

به یاد محمد سرخی ...

به همان سان که توجه طبقه کارگر و کل جامعه به هفت تپه معطوف شده است دشمن طبقاتی نیز مرکز فعالیتش را به قصد شکستن اراده کارگران به این نقطه منتقل کرده است. هفت تپه قهرمانی را می ماند که شکست او آرزوی تمام رقیبان و دشمنانش شده است. شاهکار هفت تپه ای ها دمیدن خون تازه به جنبش مجامع عمومی و برافراشتن پرچم شوراهای مستقل کارگری بود. و بعد خلع ید از بزرگترین زالوی ایران که در هر سه قوه فاسد جای پای محکم داشت. هفت تپه هنوز قلب تپنده جنبش کارگری ایران است؛ قلبی که فشارهای زیادی را تحمل کرده، زخم های بیشماری خورده، قلبی که آشکارا خسته است اما همچنان می تپد. تازه ترین و عمیق ترین زخم، مرگ و در حقیقت قتل دلخراش محمد سرخی کارگر دفع آفات حین کار بود. نمی دانم محمد سرخه از جمله کسانی بود که روز جشن، سرود انترناسیونال می خواند یا "این پیروزی خجسته باد". برای ما، برای رهبران و نمایندگان هفت تپه، برای همه کسانی که دغدغه ساختن یک دنیای بهتر دارند، نه خلوص عقیده که حفظ اتحاد و انسجام کارگران حول مطالبات رادیکال و زمینی مهمتر از هر چیزی است. در جدال طبقاتی، مهم ایستادن جای صحیح و کنار کارگران است و محمد سرخی در سخت ترین روزهای اعتراض و اعتصاب کنار هم طبقه هایش بود. افسوس شادی بعد از پیروزی برای این کارگر رزمنده چندان دوامی نداشت. انگار تقدیر ما چنین است که خوشی هایمان کوتاه باشد و اندوه مان طولانی.

آینده هفت تپه هر چه باشد تا همین جا هر کارگر زحمتکش و هر انسان آزاده ای باید کلاش را به احترام هفت تپه ای ها از سر بردارد. در غیاب محمد سرخه و به یاد او، قول می دهیم تا پیروزی نهایی و تامین یک دنیای بهتر برای همگان به نبرد خود ادامه دهیم. تضمین می کنیم نام محمد سرخی را کنار دیگر کارگران رزمنده و شریف، در ردیف آزادیخواهان و برابری طلبان جهان جاودانه کنیم. مصاف های سخت تری پیش روست. به گفته اسماعیل این تازه آغاز راه است.

۲۷ مه ۲۰۲۱

جهان

بدون فراخوان سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم،

بدون «خطر» سوسیالیسم،

به چه منجلا بی تبدیل میشود!

منصور حکمت

حقیقت این است هیچکس به اندازه کمونیسیت ها، کارگران هفت تپه و شخص اسماعیل نگران آینده شرکت نیست. یک شب، جشن و سرور و شادمانی هیچکدام از کارگران و ما را مست و لایعقل نکرده است. متأسفانه این تصویری است که مخالفان خلع ید، از کارگران و مدافعان پرشور آنان ترسیم میکنند تا خصومت خود را این بار پشت دلواپسی هایشان پنهان کنند. یافتن نشانه هایی از میزانی از توهم و ناآگاهی در هنگامه یک جشن یا از میان خیل "پیام همکار" البته کار چندان دشواری نیست. وانگهی این صحیح که اعتصاب مدرسه انقلاب است اما مگر شرکت گسترده در اعتصاب، کل کارگران را جو هیل می کند!

قدر مسلم آینده هفت تپه سخت در پرده ابهام است. اکثریت قریب به اتفاق کارگران به هیچ جناحی از حکومت توهم ندارند گیرم این نکته را هر بار به بانگ رسا جار نزنند. کارگران می دانند جنگ برای دستمزد، ایجاد مجدد تشکل مستقل، بازگشت به کار اخراجی ها و حتی بود و نبود هفت تپه به ادامه این جدال و پیروزی بر دشمن طبقاتی وابسته است. می دانند مهمترین نکته اکنون و همیشه حفظ اتحاد، همبستگی و تصمیم گیری به اتکای خرد جمعی است. متأسفانه "خرده بورژوازی آگاه"، فی الحال برای انتقال آگاهی سوسیالیستی به کارگران چیزی در چنته ندارد. دولت خودش سرمایه دار است تمام حرف این "معلم آگاه" ماست؛ نکته ای که دهقان ساکن پرت افتاده ترین ده کوره که نمازش را اول وقت میخواند هم می داند چه رسد به کارگر صنعتی با کارنامه شش هزار اعتصاب در سال. بگذریم.

پایتخت اعتصاب جهان اکنون در حساس ترین شرایط خود بسر می برد.



منصور حکمت! گفتم می شناسی؟ گفت آره، پدر من دکتر است و ترجمه آثار او را به زبان عربی دارد و خیلی علاقه مند به آثار اوست و نظرات او را دنبال می کند.

منصور حکمت از جمله رهبرانی است که در عرصه های مختلف مبارزاتی از فلسفه تا تئوری، از سیاست تا فرهنگ،

ادبیات و مسائل حزبی و سازمانی، صاحب نظر و دیدگاه انسانی، آزادیخواهانه و کمونیستی، او را به یکی از رهبران لایق و برجسته مبارزه کارگری و کمونیستی تبدیل کرد. او نه تنها در میان دوستداران و هم حزبیهایش، محبوب و مورد اعتماد بود، بلکه "مخالفین سیاسی" نیز با احترام به او نگاه می کردند. نه تنها در تفسیر و تحلیل و توضیح تحولات در جهان پیرامون، روشن بین، واقع بین، سخنور و در بیان مسائل مهارت خاصی داشت، در عین حال به عنوان رهبر کمونیستی و قاطع، راههای عملی برای تغییر انقلابی وضع موجود را ارائه میداد و در رهبری یک حزب بزرگ خود، قدم به قدم، راههای عملی تغییر در عرصه های مختلف مبارزاتی را روزمره دنبال و رهبری میکرد. اگر یکی از خصلت های بارز تئوری مارکس، خصلت انقلابی و عنصر تغییر بود، در تئوری ها و نظرات سیاسی منصور حکمت نیز از این خصلت انقلابی و ایزار و عنصر تغییر و طبقه کارگر به عنوان عنصر اصلی این دگرگونی انقلابی برای آزادی جامعه برجستگی خاصی برخوردار است. در واقع، تئوری و سیاست و مبارزه حزبی برای او معنایی جز تغییر و دگرگونی اوضاع کنونی در روند مبارزه نداشت و بیشتر اوقات زندگی خود را به آن اختصاص داد. جمله معروف مارکس که می گوید "فلاسفه تنها جهان را به شیوه های گوناگون تفسیر کرده اند، مسئله اما برسر تغییر آنست" مصداق نظرات و تلاش منصور حکمت در عرصه تئوری، سیاست و پراتیک انقلابی بود.

منصور حکمت در ساختن سه حزب بزرگ و موثر در دوره حیات سیاسی خود در تئوری، سیاست، سازمان و سبک کار نقش اول را ایفا کرد و در تشکیل حزب کمونیست کارگری و رهبری این حزب تا پایان عمرش تلاش همه جانبه ای برای پیروزی این حزب و طبقه کارگر در جدال طبقاتی و سیاسی در ایران انجام داد. "آیا کمونیسم در ایران پیروز می شود" آخرین تلاش او برای امکان پذیری پیروزی کمونیسم در ایران بود. مراجعه به آثار منصور حکمت، کتابها و دست نوشته های او که شامل هزاران برگ می باشد، ضمن تأیید بر موانع و مشکلات پیش روی مبارزه و ناملازمات دنیای موجود، خوشبینی و امید به تغییر دنیای نابرابر موجود در لابلای نظرات او موج می زند. "یک دنیای بهتر" برنامه حزبی که خود رهبری آن را به عهده داشت و مبنای فعالیت امروز حزب حکمتیست می باشد، یکی از آثار بسیار مهم و با اهمیت و مانیفست دوره زندگی سیاسی و مبارزاتی منصور حکمت بود. او در مقدمه برنامه یک دنیای بهتر، خوشبینی و امید به تغییر دنیای کنونی علیرغم موانع، مصائب و مشقات بسیار و ایده های انحرافی و تقلیل گرایانه، به نفع اکثریت مردم کارگر و زحمتکش را این چنین بیان می کند:

منصور حکمت از نگاه من

در گرامیداشت روز منصور حکمت

سعید یگانه

۴ ژوئن برابر با ۱۴ خرداد روز تولد منصور حکمت و روز گرامیداشت و قدردانی از تلاش و زحمات و مبارزه بیوقفه او، روز یادآوری نقش و جایگاه او به عنوان رهبر، تئوریسین و سیاستگذار جنبش کمونیسم کارگری برای امر آزادی و برابری و سوسیالیسم است. بدون تردید منصور حکمت به عنوان یکی از رهبران جنبش کمونیستی و کارگری و تاثیرگذار در دوره حیات سیاسی خود، میتوان از زوایای مختلفی مورد قضاوت قرار داد، اما برای دوستداران و هم نسلهای او که او را به عنوان رهبر لایق و توانای جنبش کمونیستی کارگری میشناسند و نظرات، سیاستها و پراتیک انقلابی منصور حکمت را از نزدیک تجربه و به کار گرفته اند، با وجود اینکه ۹۱ سال از مرگ گرانبهای این رفیق عزیز می گذرد و تغییرات زیادی در جهان پیرامون صورت گرفته است، اما نگرش کمونیستی، داده ها، تئوری ها و تحلیلهای بنیادی او از سیر وقایع سیاسی و تحولات در ایران و منطقه و جهان و بعد از پایان جنگ سرد و فروپاشی بلوک شرق، قابل اتکا و رهنمون امروز تلاشگران مبارزات کارگری و کمونیستی بخصوص در ایران و منطقه می باشد. بدون شک نقش شخصیتهای موثر در جنبشهای اجتماعی مختلف در دوره های تاریخی مبارزاتی جوامع بشری غیرقابل چشم پوشی و در ذهنیت جامعه همیشه ماندگار و سرمشق مبارزه خواهند بود. اغراق نیست که بگویم، منصور حکمت در دوره ای که زندگی کرد، در حیات سیاسی و فعالیت خود، یکی از شخصیتهای بسیار موثر در بیداری و خودآگاهی انسانها و جنبشی بود که به آن تعلق داشت و انسانهای زیادی از او آموختند و یاد گرفتند و همفکر او شدند. اگر دویست سال بعد از مرگ مارکس امروز حقانیت تئوریهای مارکسیستی و ضد سرمایه داری و انقلابی او در مقابل مصائب و مشقات جامعه سرمایه داری، بیش از پیش برهمگان عیان شده و حتی مفسرین بورژوازی نیز نمی توانند آن را نادیده بگیرند، تئوری ها و نظرات مارکسیستی و ضد سرمایه داری و انقلابی منصور حکمت نیز به عنوان یکی از رهبران جنبش کمونیسم کارگری در دوره تاریخی که به سر می برد، بعد از نزدیک به ۲۰ سال از مرگ او، درست بودن و حقانیت نظرات و نقش و جایگاهش در جنبش کمونیستی کارگری در ایران و منطقه بخصوص قابل اغماض نیست.

منصور حکمت نه تنها در جنبش کارگری و سوسیالیستی ایران رهبری موثر و توانا و شناخته شده است، بلکه تعداد زیادی از آثار او نیز به زبانهای عربی، کردی، انگلیسی، سوئدی و آلمانی ترجمه و سرمشق مبارزه دوستداران و همفکران و همزمان او قرار گرفته است. کمونیسم کارگری و احزاب متعلق به این جنبش در عراق در سالهای گذشته، حاصل تلاش چندین ساله او در یک دوره تاریخی معین در این کشور بود. ۵ سال پیش در مکانی با یک جوان عرب زبان فلسطینی مقیم اسرائیل برخورد کردم که برای ادامه تحصیل به آلمان آمده بود. در لحظه اول متوجه یکی از آثار منصور حکمت در کنار من شد، گفت آه

مرکز خبری کمیته کردستان حزب حکمتیست

حکم زندان محمود صالحی و عثمان اسماعیلی

بیدادگاه شهر سقز عثمان اسماعیلی و محمود صالحی را به ۶ و ۳ ماه زندان محکوم کرده است. دادگاه رژیم ضد کارگر جمهوری اسلامی قبلاً اتهام این فعالین کارگری را شرکت و تبلیغ در ارتباط با بزرگداشت اول مه، روز جهانی کارگر اعلام کرده بود که از طرف این فعالین غیرقابل قبول، و آنرا رد کرده بودند.

مسئولین فاسد و دزد رژیم همچنین اعلام کرده‌اند که این حکم می‌تواند به جزای نقدی تبدیل شود. رژیم ضد کارگری ای که بزرگداشت روز جهانی طبقه کارگر امنیت آن را بخاطر می‌اندازد، ربطی به جامعه و بطریق اولی به مردم زحمتکش ندارد و خود مانع بهبود و رفاه جامعه است.

کمیته کردستان حزب حکمتیست ضمن محکوم کردن این احکام بزدلانه دادگاه شهر سقز، از مردم مبارز و تشکلهای آزادیخواه و عدالت طلب می‌خواهد با اعتراض خود در آزادی این کارگران و لغو این احکام ضد کارگری بکوشند.

۶ خرداد ۱۴۰۰

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم
توده ای را همه جا برپا کنید!

در کارخانه ها و محلات شوراها
را برپا کنید!

امروز شورا ارگان مبارزه و قیام
و فردا ارگان حاکمیت!

به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

کمک مالی کنید!

منصور حکمت از نگاه من

در گرامیداشت روز منصور حکمت ...

همیشگی انسانها در طول تاریخ جامعه بشری بوده است. علیرغم رواج ایده هایی که هر یک به نحوی علاج ناپذیری و مقدر بودن وضع موجود را تبلیغ میکنند، زندگی واقعی و عمل روزمره توده های وسیع مردم همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکاناتپذیری و حتی اجتناب ناپذیری یک آینده بهتر است. این امید که دنیای فردا می‌تواند از محرومیتها و مشقات و کمبودها و زشتی های دنیای امروز رها باشد، این اعتقاد که عمل امروز انسانها، چه جمعی و چه فردی، در تعیین چند و چون دنیای فردا موثر است، یک نگرش ریشه دار و قدرتمند در جامعه است که زندگی و حرکت توده های وسیع مردم را جهت میدهد. کمونیسم کارگری قبل از هر چیز به اینجا تعلق دارد، به امید و اعتقاد انسانهای بیشمار و نسلهای پی در پی به اینکه ساختن یک آینده بهتر، یک جهان بهتر، به دست خود انسان، ضروری و میسر است."

دنیای امروز و مبارزه کمونیستی و کارگری ما و همه آزادیخواهان برای تغییر دنیای کنونی و ساختن دنیایی بهتر بسیار بیشتر از گذشته به وجود منصور حکمت نیاز داشت و جای خالی او در هر قدم از این مبارزه بسیار خالی و احساس می‌شود. او در میان ما نیست اما آثار و نظرات او، همیشه چراغ راهنمای ما در هر قدم از مبارزه برای آزادی و رهایی از قید و بند نظام استثمارگر سرمایه داری و ساختن دنیایی بدون ظلم و ستم و تبعیض و نابرابری و برقراری سوسیالیسم است.

در گرامیداشت روز منصور حکمت یاد این رهبر بزرگ جنبش کمونیسم کارگری را گرامی میدارم و با یکی از جملات پر معنا و انقلابی، در یکی از آثار معروف او به نام "مارکسیسم و جهان امروز"، این یاد نامه کوتاه را به پایان می‌رسانم.

"اساس سوسیالیسم انسان است، چه در ظرفیت جمعی و چه فردی. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است. جنبشی است برای خلاص کردن انسانها از اجبار اقتصادی و از اسارت در قالبهای از پیش تعیین شده تولیدی. جنبشی است برای از بین بردن طبقات و طبقه بندی انسانها. این شرط حیاتی شکوفایی فردی است."

۲۵ مه ۲۰۲۱

دولت موظف به تامین نیازهای معیشتی،
درمانی، بهداشتی و واکسیناسیون رایگان
ساکنین ایران در شرایط گسترش پاندمی
کرونا است!

یادداشتها،

سیاوش دانشور

تور انتخاباتی "پناه بردن به خدا"!

اگر دقت کنید، در مناسبت نمایش انتخابات، تور ویژه ای هست که طی آن، کاندیداهای رد صلاحیت شده "به خدا پناه می برند" تا ذهن یاری می کند این داستان از رفسنجانی شروع شد که نمیتوانست و نمیخواست رودرروی خامنه ای بایستد و "به خدا پناه برد" در ادامه به لاریجانی و جهانگیری و دیگران هم رسید. عبارت اسلامی "به خدا پناه می برم"، اسم رمز بی عرضگی است که تمکین سیاسی به اراده و امر خامنه ای و شورای نگهبان را با لحن عاشورائی و مظلوم نمائی استتار می کند. از احمدی نژاد تا لاریجانی ها و اصلاح طلبان، حرف مفت زیاد میزنند و شعار زیاد میدهند. هدف گرم کردن تنور نمایش حکومتی است که خود پرسوناژهای آن هستند. وقتی هم کنارشان می گذارند، نه عرضه جیک زدن دارند، نه چنین قصدی دارند و نه اساساً می خواهند حکومت شان را با چالشی روبرو کنند. هیچکدامشان بدون حکومت اسلامی معنی ندارند.

سیاست اعمال فشار و شعار دادن برای معکوس کردن روند تصمیم گیری و تغییر ترکیب کاندیداها شکست خورد. نهایت هدف نق و نوق های اصلاح طلبانه این بود که خامنه ای "حکم حکومتی" بدهد و یکی دو نفر دیگر را وسط این مضحکه برقصاند. خامنه ای اما اینکار را نکرد، از رای گماشته هایش در شورای نگهبان کاملاً حمایت کرد و به دلویسان انتخابات و نظام در عین حال گفت که شماها هنوز خودی هستید و صلاحیت دارید، نگران نباشید!

در جدال سینه چاکان متفرقه نظام اسلامی که هر یک دیگری را به نابودی نظام و "ساختار شکنی" متهم میکنند، "پناه بردن به خدا" پرچم بی عرضه ها است که میدانند نباید کاری کنند که پای مردم منزجر از نظام شان را وسط بکشند. چنین حماقتی نخواهند کرد، همه شان میدانند به هر دلیلی پای جامعه را وسط بکشند، مردم آنجا که آنها می خواهند سوت پایان بزنند نخواهند ایستاد، بلکه بسرعت از روی لاشه نظام رد خواهند شد. با علم به اینست که جملگی زیر عیای خامنه ای پنهان میشوند.

رئیس، قاتل اعظم آمد!

رژیم اسلامی حکومت قاتلین و تیر خلاص زن ها و چاقوکشان حزب الهی است. عنصری در این حکومت پیدا نمی شود که راساً در دوره ای از حیات منحوس رژیم اسلامی مرتکب جنایت نشده باشد و یا جنایت حکومتی را تأیید نکرده باشد. اما میان قاتلین، کهنه کار و آماتور وجود دارد. یکی از آدمکشان حرفه ای ابراهیم رئیسی سرجلاد قوه قضاییه است.

ابراهیم رئیسی همراه با مصطفی پورمحمدی، مرتضی اشراقی و حسین علی نیری، اعضای "گروه مرگ" منسوب خمینی بودند که تنها در تابستان سال ۶۷ بیش از ۴۰۰۰ زندانی سیاسی را در محاکمات دو دقیقه ای اعدام و اجساد نیمه جان آنها را دستجمعی در خاوران ها شبانه دفن کردند. ابراهیم رئیسی فقط قاتل معمولی نیست، او در لیگ آدمکشان حرفه ای است. حال رئیسی قاتل اعظم قرار است بدستور رهبر طویله اسلامی رئیس جمهور شود.

بعنوان کسی که رفقای عزیز و همزمان انقلابی و کمونیست را امثال رئیسی و شرکای جنایتکارش در دهه شصت کشته اند، نفس آمدن نام این افراد آرام میدهد. فکر میکنم در این حس بسیاری شریک من باشند. نام ننگین رئیسی ها هر بار ما را به آن دهه خونین و فراموش نشدنی پرت می کند. تصور کنیم حال و روز مادران و پدران و بستگان عزیزانی که توسط این جانپان کرور کرور بقتل رسیدند و هنوز از قبر جگرگوشه هایشان هم خبر ندارند. اینروزها برای این عزیزان تلخ و بسیار تلخ است.

نام رئیسی در گوش ما یادآور یک هولاکاست اسلامی است که دو پرده بزرگ آن در دهه شصت روی صحنه آمد و حکومت اسلامی را مستقر کرد. رئیسی تنها یک نام نیست، او نماد قساوت و بیرحمی بورژوازی اسلامی در کشوری است که یک انقلاب را بخون کشیدند.

در مناسبت مضحکه انتخابات، ورق زدن پرونده های قطور جنایت، نور انداختن روی آمران و عاملان و مسیبین آن به تقویت حافظه تاریخی جامعه کمک می کند. فرصت مناسبی است که مادران و پدران داغدار علیه رئیسی و حکومت رئیسی ها صدای اعتراض را بلندتر کنیم.

رد صلاحیت ها و عاشورای اصلاح طلبان

در نمایش مضحک خامنه ای و منصوبانش که در جمهوری اسلامی نام بی مثمای "انتخابات" گرفته است، بار دیگر جانفدایان و قسم خوردگان کهنه کار و کسانی که برای نظام جنایت کرده اند، رد صلاحیت شدند. این بازی بالائی ها است و دخلی به داشتن کلمه صلاحیت ندارد. سالهاست که "صلاحیت" نداشته کل نظام در خیابان و کارخانه رد و حکمش صادر شده است. اینجا جنگ کرکس ها است، جنگ برسر سهم و لغت و لیس و رانت و استراتژی بقای نظام است. خط حاکم اینست که خروجی نمایش انتخابات، رژیم فشرده تر برای تقابل با جامعه و پایان دادن به بازی دو جناح است.

تاج زاده مفلوک چطور باید داد بزند که از خامنه ای دلش بیشتر برای نظام می سوزد؟ میگوید علیه سیاستهای "ساختار شکنانه شورای نگهبان" معترض است اما اگر له هم شوند علیه نظام اقدام غیر مسالمت آمیز نخواهد کرد! به این میگویند اولترا سرسپردگی! اینکه تاج زاده و اصلاح طلبان را به بازی راه ندادند و هنوز از خامنه ای دواتشه تر سنگ نظام را بر سینه میزنند؛ نشان میدهد اصلاح طلبان چه ظرفیت کثیف و خطرناکی در تقابل با عمل انقلابی و سرنگونی خواهی کارگران و مردم زحمتکش دارند!

صفحه ۱۱

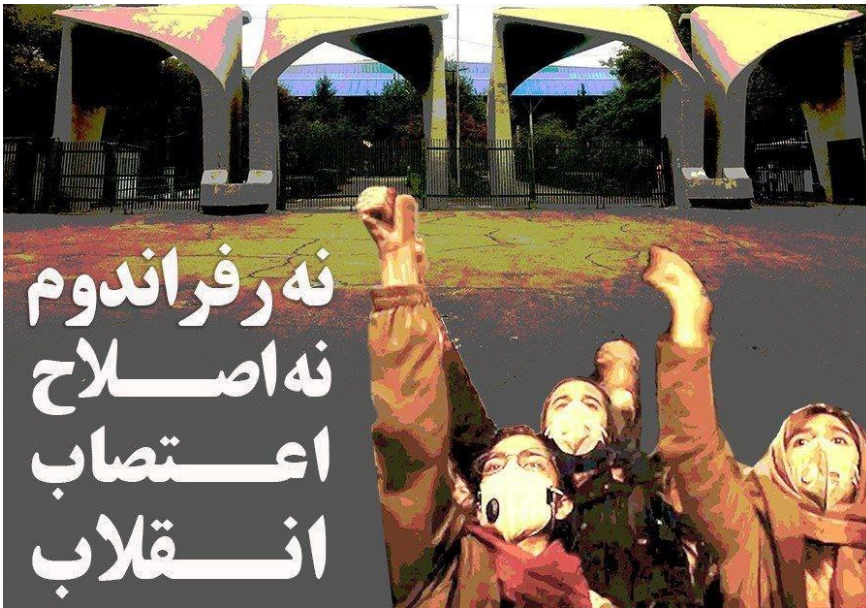
مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر!

یادداشتها ...

تاج زاده کهنه حزب الهی تازه دگراندیش طرفدار رهبری اصلاحات توسط خامنه ای، باید نان بخورد و از رانت حکومت برخوردار باشد. اما کسانی که حتی اجازه ندارند مثل تاج زاده علم نوکری خامنه ای را بر دوش بگیرند ولی هنوز از "شرکت در انتخابات" سخن میگویند، باید مورد مطالعه قرار بگیرند. برای اینکار عاشورای تاج زاده و اصلاح طلبان ماتریال مناسبی بدست نمی دهد. این فضاحت حاصل بن بست کل رژیم اسلامی است که در سیر آن و در هر مرحله ابواب جمعی خود را از مدار بیرون می اندازد.

نکته جالب داستان برای ما که بیرون کل این ماجرا کار می کنیم، اینست که هیچ ادا و اطوار و ترفندی موجب گرم کردن بازار این مضحکه نخ نما و تکراری میان مردم نشده است. شکست جمهوری اسلامی در این نمایش مسجل است. ما تنها باید با دخالت در اوضاع این شکست را سنگین تر و همه جانبه تر کنیم تا در موقعیت بهتری برای هجوم قرار بگیریم.

۲۷ مه ۲۰۲۱



اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست علیه حضور سلفی - داعشی ها در کردستان

در دفاع از آزادی و امنیت مردم

کردستان و سایر شهرهای ایران می داند و براین باور است که باید با تمام توان سد محکمی در مقابل تحکات و تعرضات مرتجعین اسلامی ایجاد کرد. در کردستان نیروهای کمونیست و انقلابی و مردم مبارز و آزادیخواه سابقه درخشانی در مقابله با ارتجاع اسلامی از هر نوع آن داشته و لازم است که دست در دست هم، ضمن افشای چهره و ماهیت و عملکرد ضد انسانی و ضد آزادی شاخه های مختلف این جریانات مرتجع، صف محکم مبارزاتی در مقابل تهدیدات سلفی - داعشی در دفاع از آزادی و امنیت مردم ایجاد کرد. شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کنار مردم کردستان و علیه ارتجاع سلفی خواهد بود و ضروری می داند که برای مقابله با حضور آنان در محلات و محیط زندگی مردم، جوانان مبارز و انقلابی با کمک مردم دست به خود سازماندهی و ایجاد شبکه های مبارزاتی علیه سلفی های مرتجع بزنند و هر نوع تحریک و تهدیدی را از آنان سلب کنند.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!
 ۱۷ خرداد ۱۴۰۰ - ۲۸ مه ۲۰۲۱

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان اقلیت، هسته اقلیت.

در یک ماه گذشته جریانات سلفی- داعشی در شهرهای کردستان در سایه امن حاکمیت سپاه جمهوری اسلامی دست به ارباب و قمه چرخانی و اذیت و آزار شهروندان به بهانه ماه رمضان و مشروب خواری زده اند. در ادامه این تحکات، روز یکشنبه دوم خرداد جمعی از این آدمهای منفور و مرتجع به سبک داعشی های موصل و رقه، سوار بر موتور با قمه و خنجر و با شعار الله اکبر در یکی از محلات معروف شهر سنندج "حاجی آباد" حضور پیدا کرده و به بهانه بی حجابی یک زن، دست به عربده کشی می زنند. حضور این مرتجعین، با تعرض متقابل، جواب قاطع و درخوری از مردم گرفته و آنان را فراری داده اند. مردم در سنندج همچون مردم مبارز محله دارسیران در شهر مریوان مرتجعین و اوباشان اسلامی را به عقب رانده اند.

مردم در شهرهای کردستان در ۴۲ سال گذشته علاوه بر تحمل مصائب و مشقات ناشی از حاکمیت سپاه جمهوری اسلامی، جنایات مکتب قرآنی و وابسته به "مفتی زاده" سلفی ها، داعشی ها و طالبانها را در کردستان، سوریه و عراق و افغانستان را دیده و تجربه کرده اند. اینها جریانات تروریستی، ضد جامعه، ضد مدنیت و ضد آزادی هستند که به تجربه ثابت شده هر جا که حضور پیدا کرده و قدرت گرفته اند با قمه و شمشیر و اسلحه بر مردم حاکمیت کرده و زندگی را برآنان سپاه کرده اند. در واقع سلفی ها، کپی جریان ارتجاع اسلامی شیعه اند، که در اشکال گوناگون از جمله اسید پاشی به زنان، تعرض به زنان تحت عنوان بی حجابی و تعرض به همه مظاهر آزادی و سبک زندگی مردم عمل می کنند. دولت جمهوری اسلامی- داعش، نماینده سیاسی و حکومتی این فرهنگ و کنش ارتجاعی- اسلامی اند.

در شرایطی که مردم در سراسر ایران در مقابل تحمیل فقر و فلاکت و زورگویی و استبداد اسلامی دست به اعتراض و مبارزه زده اند و این اعتراض و نارضایتی و نفرت از رژیم اسلامی هر روز بیش از پیش گسترش می یابد، در کردستان جمهوری اسلامی با آزاد گذاشتن دست هم کیشان "آتش به اختیار" سلفی- داعشی، این موقعیت را برای آنان به وجود آورده تا ضدیشان را با نمودهای آزادی و انسانیت، و مقابله با اعتراض و نارضایتی مردم و تهدید فعالین و نیروهای آزادیخواه و سوسیالیست به نمایش بگذارند.


تردیدی نیست که با اوجگیری اعتراض و نارضایتی و گسترش مبارزه کارگران و زحمتکشان، رژیم جمهوری اسلامی، برای مقابله با مردم نه تنها در کردستان، که در سراسر ایران از نیروها و جریانات مرتجع و ضد انسانی همچون سلفی های داعشی برای سرکوب نارضایتی مردم استفاده خواهد کرد. به همین منظور است که امروز در شهرهای کردستان جریانات سلفی و مرتجع با قمه و شمشیر بدون مزاحمت و دخالت دستگاههای امنیتی رژیم، زندگی و آسایش مردم را تهدید می کنند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست حضور نیروهای سلفی - داعشی را خطر جدی برای زندگی امروز و فردای مردم در شهرهای

COVID-19 Vaccine
 رایگان
 استاندارد
 بهداشتی
 برای همه

واکسیناسیون رایگان
با استانداردهای بهداشت جهانی،
حق فوری کلیه ساکنین ایران است!

شورای همکاری
 نیروهای چپ و کمونیست




اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

مردم را با قلدری به گروگان نگرفته!

در رابطه با ایجاد مزاحمت مجدد

سلفی - داعشی ها در سنندج

روز یکشنبه دوم خرداد گروهی از افراد سلفی با ورود به محله حاجی آباد در شهر سنندج و به قصد ایجاد مزاحمت و سلب امنیت و آسایش از مردم و با شعار الله اکبر دست به عریه کشی میزنند. با دخالت ساکنین این افراد محل را ترک میکنند و چند ساعت بعد این افراد مجدداً و به قصد ارباب ساکنین محله حاجی آباد با صورتهای نقاب زده، قمه بدست و سوار بر موتور به حاجی آباد برگشته و با ویراژ دادن و عریه الله اکبر محل آسایش مردم و ساکنین محله میشوند. غافل از اینکه زنان و مردانی که ۴۲ سال در مقابل هارترین رژیم منطقه مقاومت کرده اند در مقابل مشت‌های لمپن و چاقوکش سلفی کوتاه نمیایند و اجازه ابراز وجود به آنها را نخواهند داد. جوانان محله بسرعت از این اتفاق مطلع میشوند و خود را به محل تجمع اوباش سلفی رسانده و برای مقابله با این شرارت، با آنها درگیر شده و درس خوبی به آنها میدهند. نهایتاً چاقوکشان سلفی کتک خورده، سوار بر موتورهایشان از محله حاجی آباد بیرون رانده میشوند. چند نفر از آنها هم به دلیل جراحات ناشی از درگیری راهی بیمارستان کوثر میشوند.

اتفاقات اخیر در محله حاجی آباد سنندج، داسیران مریوان و شهر سقز درسی است برای صف چاقوکشان سلفی که دیگر در هیچ شهری در کردستان به قصد قدرت نمایی و سلب امنیت از شهروندان دست به مانور و قمه گردانی نزنند. مردم سنندج سابقه و تاریخ ننگین سلفی ها و برادران مکتب قرآنی آنها را خوب بخاطر دارند.

به این اوباش داعش- سلفی باید حالی کرد هر نیرو و ارگانی که از آنها حمایت میکند، این را نفهمیده که مردم متحد و مصمم در مقابل این شرارتها ساکت نخواهند نشست. باید به قمه کش های این جریان ارتجاعی فهماند زندگی شخصی و نوع پوشش انسانها به شما ربطی ندارد. دخالت در زندگی شخصی انسانها با تعرض شهروندان و مردم آزادیخواه جامعه روبرو خواهد شد. جمهوری اسلامی به اندازه کافی ارگان های سرکوب و سلب آسایش از مردم را در اختیار دارد، مردم آزادیخواه تهدیدات و شرارت های بیشتری را از جانب شما قبول نمیکنند. اوباش و چاقوکشان سلفی بدانند گارد محکمی از زنان، مردان و جوانان شهر سنندج را در مقابل خود دارند که قصد ندارند اختیار شهر و محل زندگیشان را به شما داعش-سلفی های مرتجع و مزدور که با پول کشور های مرتجع منطقه تامین میشود بپسارند. شهر های کردستان محل تاخت و تاز مغول وار شما نیست. هدف از شل کردن افسار اعضای این جریان تا مغز استخوان ارتجاعی از طرف جمهوری اسلامی به قصد ناامن کردن جامعه در شرایطی است که کل حاکمیت در بحرانی عمیق دست و پا میزند. چگونه است کوچکترین تجمع کارگران و مردم محروم برای خواسته هایی برحق به شدیدترین وجه جواب داده میشود و کارگران را با احکام سنگین به دادگاه و زندان میفرستند اما حمله مشت‌های چاقوکش سلفی به مردم یک محله با سلاح سرد و گرم با هیچ واکنشی روبرو نمیشود؟ گویی اساساً این اتفاق رخ نداده و کسی امنیت و آسایش

مردم آزادیخواه سنندج!

عسس و گزومه های قمه کش سلفی را باید چنان ادب کرد که دیگر جرات چنین حرکاتی را بخود ندهند و محل امنیت و آسایش شما شهروندان به بهانه های واهی و بی پایه نشوند. این سومین تعرض در یک ماه گذشته از طرف اوباشان سلفی به محلاتی در شهر های کردستان است. افسار گسیختگی اینان را باید با اتحاد و همبستگی در یک صف منسجم پاسخ داد. شهر های کردستان محل رشد این ویروس ضد بشری که در منطقه خون به زندگی مردم پاشیدند نیست. اجازه ندهید محل کار و زندگی خود و خانواده هایتان به میدان قدرت نمایی مشت‌های قمه کش لمپن تبدیل شود.

اجازه ندهید شنگال و موصل دیگری را خلق کنند. با ایجاد گروه های حفاظت از محلات مانع حضور داعش- سلفی ها که قصد ایجاد اخلاص در شهر و محل زندگی شما را دارند بشوید. باید به اعضای باند تبهار سلفی حالی کرد که دخالت در زندگی مردم، مزاحمت برای شهروندان و ساکنین این محلات جرم است و مردم برای دفاع از حریم شخصی زندگی و محیط اطرافشان در مقابل آنها خواهند ایستاد. شادی و آسایش و اختیار نوع پوشش از حقوق ابتدایی هر شهروندی است، اوباش سلفی حق دخالت در این مسائل را ندارند. عزم راسخ و حضور متحدانه شما برای ادب کردن این باند تبهار هشدار جدی به این لمپن های قمه بدست و مزدور است.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

مرگ بر مرتجعین سلفی!

زنده باد آزادی، رفاه و برابری!

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری- حکمتیست

۳ خرداد ۱۴۰۰

"مادام که در نظامی هویت انسانی اولیه توده کارگر و زحمتکش قانوناً زیر سوال است، که در آفریقای جنوبی، ایران اسلامی، عربستان سعودی و اسرائیل و کلیه رژیمهای قومی، نژادی و مذهبی؛ آشکارا چنین است، امر سوسیالیسم به امر اعاده شخصیت و حرمت حقوقی و مدنی انسانها گره میخورد".

منصور حکمت

کردستان جای تروریسم اسلامی نیست

پردل زارع

در چند هفته اخیر مردم شهرهای کردستان شاهد وحشیگری، قلداری و شمشیر کشی گروهی از نیروهای لمپن اسلامی به نام سلفی ها بودند. سلفی ها یک گروه اسلامی تندرو هستند که سالها پیش توسط رژیم اسلامی در کردستان بعنوان وسیله ای برای تهدید جامعه و به منظور رواج و ترویج ارتجاع اسلامی ساخته شدند. بارها با چراغ سبز رژیم تروریست پرور اسلامی به مردم بی دفاع در شهرهای کردستان حمله کردند و جنایات فراوانی از قبیل گروگانگیری تا به قتل رساندن مردم بیگناه در کارنامه خود دارند. این نیروی تروریستی در شهرسندج و شهرستانهای مریوان و سقز به بهانه مشروب خوری و پیروی نکردن مردم از دین متحجر و قرون وسطایی اسلام به مردم حمله کرده اند و با شعار الله و اکبر و شمشیر کشی در خیابانها دست به تهدید مردم زده اند، که در همگی این شهرها با شکست سنگینی از طرف مردم آزادیخواه و برابری طلب روبرو بوده اند. متأسفانه در حمله این وحشی های اسلامی چند نفر از جوانان شهرستانهای مریوان و سقز و سندج زخمی شده اند و یک نفر نیز کشته شده است.

گروه تروریستی سلفی ها روز پنجشنبه شانزده اردیبهشت با استفاده از میدیای اجتماعی و یک کانال تلگرامی با انتشار فراخوانی از تمامی رواج دهندگان خرافه و مذهب خواسته بودند که در خطبه های نماز جمعه فتوای کشتن کسانی را که اسلام و محمد را قبول ندارند بدهند. در حالی که سلفی ها در پی برنامه ریزی برای حمله مجدد به منظور جبران شکست سنگینشان در محله دارسیران مریوان بودند، زنان و مردان این محله همراه با مردم متنفذ از اسلام و اسلام سیاسی دست به سازماندهی و دفاع از محله خود زدند و همراه با آنها احزاب و سازمانهای سیاسی کمونیست و چپ مخالف رژیم اسلامی و کارگران و آزادیخواهان در شهرهای کردستان و برخی از شهرهای ایران با فرستادن پیامهای حمایتی خود و محکوم کردن این حرکت تروریستی احساس همدردی و ابراز کمک خود را به مردم مریوان نشان دادند و به سلفی ها ثابت کردند که نه تنها جانی در کردستان بلکه در هیچ کجا ندارند و در صورت تکرار دوباره این حرکت تروریستی با مقاومت مردمی روبرو میشوند. از این رو سلفی ها با فرستادن امام جمعه مرتجع مریوان برای معذرت خواهی از مردم محله دارسیران جرات روبرو شدن با مردم خشمگین را نداشتند و غافلگیرانه در شهرستان سقز و شهر سندج با شمشیر و قمه به مردم بی دفاع حمله کردند، که در هر دو شهر با مقاومت مردم محله و شکست و زخمی شدن نیروهایشان روبرو شده اند.

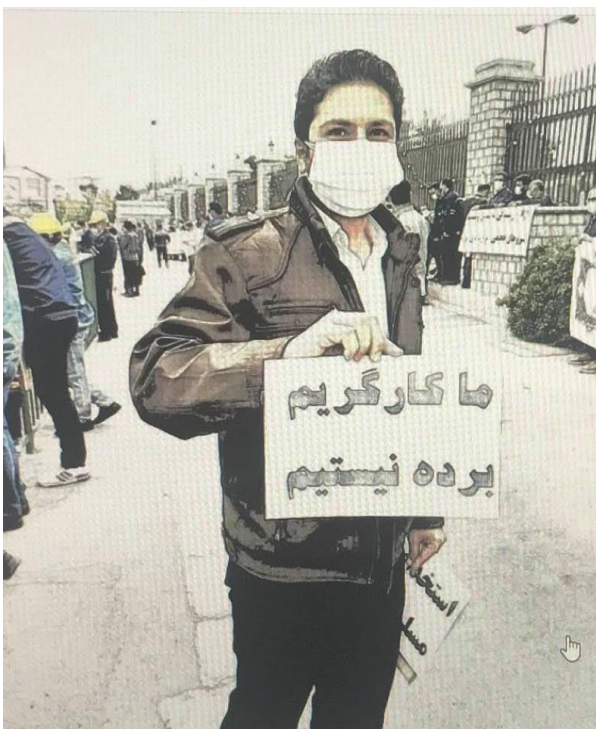
مردم شهرهای کردستان قبلاً هم شاهد وجود چنین باندهای سرکوبگر و لمپنی بوده اند. گروه اسلامی و تروریستی مکتب قرآن در اوایل انقلاب به رهبری احمد مفتی زاده و با حمایت لجنستیکي رژیم اسلامی به صف آزادیخواهی و کارگران و نیروهای چپ و مترقی در شهرهای کردستان حمله میکرد و نیروهای چپ و کمونیست را شناسایی و دستگیر و برای تیرباران در جوخه های مرگ تحویل پاسداران رژیم اسلامی میداد. این

جریان همکار جمهوری اسلامی با مقاومت و تعرض نیروهای کمونیست و آزادیخواه در آن دوران روبرو شدند و با وجود حمایت همه جانبه رژیم اسلامی مجبور به فرار از کردستان شد. اکنون این نیروهای لمپن به منظور مقابله با رشد چپ و کمونیسم و سکولاریسم در کردستان توسط رژیم اسلامی طراحی، حمایت و آماده شده اند و هر وقت که رژیم

اسلامی به آنها نیاز داشته باشد این جک و جانورها را به جان مردم میاندازد. اما به دلیل وجود و فعالیت نیروهای کمونیست و چپ و سکولار در کردستان، در هر دو رژیم سلطنتی و اسلامی، مردم کردستان تاریخ و سنت مبارزاتی قوی علیه ستم و نابرابری دارند و هیچوقت به این لمپنهای قمه کش اجازه نمیدهند که کردستان را مانند سوریه و عراق تبدیل به جولانگاه خود کنند. حمایت رژیم اسلامی از فرقه های مختلف تروریستی تنها برای بقای عمر خود است. رژیم خوب میدانند که نه حکومت اسلامی و نه این تروریست ها در کردستان و در بقیه ایران جایی ندارند و تنها با زور اسلحه و سرکوب است که حاکمیت خود را برقرار کرده است. تمامی جنایت این وحشی های اسلامی در تاریخ ثبت شده و ماندگار خواهد ماند.

امروز بیشتر از هر زمانی مردم نیاز به برپا کردن شوراهای محلات و سازمانهای دفاع از خود برای مقابله با چنین تروریستهایی دارند. تنها در یک جامعه سکولار و سوسیالیستی است که همه شهروندان مستقل از هر عقیده ای میتوانند آزادانه و در امنیت زندگی کنند. مرگ بر اسلام و رژیم اسلامی ایران! درود بر سوسیالیسم!

۲۵ مه ۲۰۲۱



تفاوت‌های کمونیسم منصور حکمت

سخنرانی در لندن، ژوئن ۲۰۱۴

سیاوش دانشور



بورژوازی تسلیم میشوند. این دوره ای است که برای سالهای طولانی مارکس و آثارش اینجا و آنجا هست اما جنبش کمونیستی طبقه کارگر یا حاشیه ای شده و یا مقهور جنبشهای طبقات دیگر است. دیگر نه مانیفست کمونیست و نه انقلاب کمونیستی برای تغییر جهان در دستور احزاب انترناسیونال دوم است.

حضار محترم، رفقای گرامی!

حضورتان را در مراسم گرامیداشت منصور حکمت خیر مقدم میگویم. در این فرصت ترجیح میدهم بجای متمرکز شدن روی جنبه ای از دیدگاه و نظرات منصور حکمت در باره تفاوت‌های کمونیسم منصور حکمت و ریشه های آن در یک مقیاس تاریخی اشاراتی داشته باشم.

ماتریالیسم پراتیک

کمونیسم کارگری و کمونیسم مارکس در تفاوت با انواع کمونیسم ها و سوسیالیسم های زمانه خود را با "کمونیسم پراتیک" و نگرش ماتریالیسم پراتیک توضیح میدهد. این جمله را احتمالاً زیاد شنیده اید و روی مقبره مارکس هم نوشته شده است که به نظر من تمام داستان زندگی کمونیسم مارکس و لنین و منصور حکمت را توضیح میدهد: "تمام فلاسفه به طرق مختلف جهان را تفسیر کرده اند، حال آنکه مسئله برسر تغییر آنست." این جمله همانطور که مطلع هستید از کتاب ایدئولوژی آلمانی و تزهایی در نقد ماتریالیسم فویرباخ گرفته شده است. مارکس قبل از تدوین سرمایه و مانیفست کمونیست، قبل از کمون پاریس اولین حکومت کارگری جهان، قبل از ایجاد انترناسیونال اول کمونیستی، و قبل از بسیاری جدل ها در جنبش سوسیالیسم بین المللی و دربردی ها از دست پلیس و دولتهای وقت، به نقد ماتریالیسم مکانیکی و اسکولاستیک و تفسیرگر نشست.

مارکس که زمانی خود جزء هگلی های جوان بود در سال ۱۸۴۵ با نقد ماتریالیسم فویرباخ به تدوین جهان بینی، وجود شناسی، تئوری شناخت و متدولوژی ای مبادرت کرد که در اساس با ماتریالیسم پیشین متفاوت بود. مارکس با کتاب ایدئولوژی آلمانی و ۱۱ تز کوتاه در باره فویرباخ، یک ماتریالیسم خود ویژه، یک نگرش انتقادی - علمی و انقلابی و پیگیر را نسبت به جهان پیرامون و در مرکز آن جامعه و پراتیک انسان گذاشت. آنچه که ماتریالیسم مارکس را ویژه میکند، جایگاه تعیین کننده ای است که پراتیک بطور عام و پراتیک انقلابی بطور خاص در نگرش و جهان بینی انتقادی اش دارد. پراتیک انقلابی در مارکسیسم یک رکن اساسی نقد فلسفه است. مارکس ماتریالیسم خود را در تمایز با ماتریالیسم کهنه، "ماتریالیسم پراتیک" نام می‌گذارد و مشخصاً لفظ "کمونیست" و "ماتریالیست پراتیک" را بطور مترادف بکار می برد. بنا براین از نظر مارکس، امر تغییر جهان و تلاش بیوقفه برای ایجاد این تغییر در جامعه توسط آکتور فعاله، تعریف کمونیسم یا ماتریالیسم پراتیک است.

اما وقتی دقیق میشوید میبینید بعد از مارکس، بجز استثنا یار دیرین او انگلس، این نگرش پس میرود و در قلمرو سیاسی به اصطلاح مارکسیستها و سوسیالیستها به همان نگرش تفسیرگر، فلسفی، غیر انقلابی و غیر انتقادی برمیگردند. احزاب انترناسیونال دوم نگرش انتقادی- پراتیکی و تلاش برای تغییر انقلابی جهان و جامعه را پس میزنند و با یک نگرش دتر مینیستی راجع به تاریخ و سیر تکاملی آن به

این وضعیت تا دوره لنین و انقلاب روسیه ادامه دارد. لنین کسی است که بار دیگر نگرش انتقادی-پراتیکی مارکس و نقش اراده انسان برای تغییر را به مرکز تلاش سوسیالیستی برمیگرداند. متدولوژی لنین، چیزی بیشتر از وفاداری عملی به ماتریالیسم ویژه مارکس، یعنی ماتریالیسم پراتیک نیست. ماتریالیسمی که دیالکتیک رابطه متقابل پراتیک انسانی با جهان عینی را دریافته است. همین دیدگاه و جدل های او با منشویکها، لنین و رگه لنینیسم را خود ویژه میکند. و لازم به تاکید است اگر این دیدگاه نبود به احتمال قوی انقلاب اکتبری هم در کار نبود.

با شکست انقلاب اکتبر مجدداً این نگرش حاشیه ای میشود. ما در قرن بیستم با انواع سوسیالیسم و مدعیان مارکسیسم روبرو هستیم که ادعائی برای تغییر انقلابی جهان ندارند. شما حتماً در فروم های مارکسیستها که مرتباً در کشورهای اروپا برگزار میشود شرکت کرده اید و یا راجع به آن خوانده اید. صدها نفر روشنفکر بورژوا و اساتید و به اصطلاح فیلسوف مارکسیست جمع میشوند. اما حرفهایی که بنام مارکس میزنند حیرت آور است. یک ذره امید، یک ذره تلاش برای تغییر، اینکه وضع موجود را قبول نکنی، و مهمتر اینکه این به اصطلاح مارکسیستها خودشان فعال و رهبر و تربیون جنبش سوسیالیستی کارگران باشند دیده نمیشود. حتی آنجا که کسانی پیدا میشوند و از یک تز مارکس و صحت آن دفاع میکنند، صرفاً دفاعی از تئوری مارکس میکنند به این معنی که مارکس درست گفته است. اما چیزی در باب چه باید کرد در این نگرش و سازماندهی جنبشی بر اساس این دیدگاه ها دیده نمیشود و حتی ادعایش هم وجود ندارد.

شکست انقلاب اکتبر موجب شیفتی در کمونیسم قرن بیستم شد که مشخصه اش جدائی کمونیسم از کارگر و جدائی کمونیسم از مارکس است. ناسیونالیسم، دمکراسی و رفرمیسم گرایشهای اصلی ای هستند که سر منشاء انواع کمونیسم هائی اند که به همه چیز مربوط اند بجز به مارکس و به انقلاب کمونیستی کارگری و به تغییر جهان. تردیدی نیست که کمونیسم بعنوان جنبش طبقه کارگر علیه سرمایه داری وجود دارد اما یا منکوب شده و یا بحدی ضعیف است که نمیتواند بعنوان بستری متمایز و جهانی و حتی منطقه ای و کشوری خود را مطرح کند. تردیدی نیست در طول این سالها کم کمونیست و مارکسیست و معترض و منزجر از این اوضاع وجود نداشتند. اما بازگر صحنه جنبش های طبقات دیگر هستند که عمدتاً بنا به اعتبار مارکسیسم و جنبش بین المللی سوسیالیستی ناچار شدند که اهداف ناسیونالیستی و رفرمیستی و دمکراتیک خود را در زورق "مارکسیسم" عرضه کنند. انقلابات، خیزشها، اعتراضات، مبارزات، جنگ ها و قیام های متعددی را هم در طول قرن داشته ایم. انواع مکاتب، نشریات و گرایشهای متعدد را هم داشته ایم که بخشا با نام مارکسیسم حرف زده اند. ولی از لنین به بعد آن رگه ماتریالیسم پراتیک، آن متدولوژی انتقادی - پراتیکی، آن مارکسیسمی که

تفاوت‌های کمونیس‌م منصور حکمت

سخنرانی در لندن، ژوئن ۲۰۱۴...

پراتیک انقلابی را محور قرار میدهد و برای پیروزی و قدرت‌گیری کمونیس‌م تلاش میکند را نداشته ایم.

منصور حکمت کسی است که بعد از لنین این پرچم را دوباره بدست می‌گیرد. ویژگی منصور حکمت اینست که جزء این حکیم باشی‌های سوسیالیست و مفسرین تاریخ نیست. در متن انقلاب ۵۷ ایران جوانی ۲۷-۲۸ ساله بعنوان یک مارکسیست از انگلستان به ایران برمی‌گردد. کسی که هیچ رگ و ریشه‌ای در تاریخ چپ آن جامعه ندارد، از فعالین کنفدراسیون دانشجویان در خارج کشور نیست، از محصولات چپ رادیکال ایران نیست، مشتق چندم استحاله سنت ناسیونالیستی و رفرمیستی جبهه ملی و حزب توده نیست. اما با همین دیدگاه مارکسی که قریب هفتاد سال است خاک می‌خورد وارد انقلاب ایران می‌شود و در کمتر از سه سال کل دستگاه فکری چپ رادیکال ایران را که اساسا ناسیونالیست و رفرمیست است منهدم میکند و بار دیگر سوسیالیسم و مارکسیسمی را روی نقشه سیاسی ایران می‌گذارد که منشاء آن همین جهان بینی و نگرش انتقادی- پراتیکی مارکس است.

بحث من این نیست که گویا بجز خود مارکس و بعدتر لنین و منصور حکمت، کسی نبوده است که تمایز و تفاوت ماتریالیسم تفسیرگر و غیر انقلابی و مکانیکی را با ماتریالیسم انقلابی و پراتیک مارکس درک کند. لایب کم استاد فلسفه و تاریخ نبودند که این تمایزها را در جزئیات از بر بوده اند. بحث برسر اینست که بعد لنین رهبر سیاسی مارکسیست و پراتیسیست انقلابی‌ای به صحنه نیامد که سنت فکری و پراتیکی اورژینال مارکسی را بعنوان کمونیس‌م و مارکسیسم به کرسی بنشانند. منصور حکمت بطور عینی، و نه بخاطر اینکه رفیق ماست، چنین جایگاهی دارد. او تنها کسی است که با دست خالی و از صفر شروع کرد و کمونیس‌م خود ویژه مارکس را به کرسی نشاند و به مارکسیسم رایج تبدیل کرد. او تنها کسی است که بعنوان جنجالی‌ترین چهره و شخصیت سیاسی و رهبر چپ حتی توسط اردوی راست برسمیت شناخته شد و همه در موارد مهم منتظر بودند که منصور حکمت چه می‌گوید. امروز بسیاری موضوعات و مواضع سیاسی در باره مسائل جامعه وجود دارند که هر لیبرال و راستی هم براحتی ظاهرا آن را می‌پذیرد. زمانی بود که حتی چپ‌ها و به اصطلاح کمونیس‌ت‌های آن مملکت هم چنین ادعاهائی نداشتند. منصور حکمت جامعه و زمین سیاست و سیستم ارزشی را زیر و رو کرد و به اپوزیسیون ایران و عراق و جنبش موسوم به کمونیس‌تی در قلمروهای مختلف معیارهای جدیدی تحمیل کرد. این اولین تفاوت مهم کمونیس‌م منصور حکمت است که او را در شرایط و چهارچوب تاریخی تماما متفاوت و نامساعدی، در ردیف مارکس و لنین و در سنت سیاسی و فکری واحدی با مارکس و لنین در قیاس با دیگر مارکسیست‌ها و کمونیس‌ت‌ها و رهبران سوسیالیست در سطح ایران و جهان می‌گذارد.

تاریخ یا جامعه

یک ویژگی و تفاوت مهم دیگر کمونیس‌م منصور حکمت تقابل با دترمینیسم و جبر گرایی است. برخلاف بسیاری از ماتریالیست‌های مفسر که از تاریخ، اهمیت طبقات تاریخی، دوران، ضرورت تکامل

طبقات و نیروها و عناصر تاریخی سخن می‌گویند و از آن نتیجه می‌گیرند که حالا وقت چه کاری رسیده یا نرسیده، منصور حکمت قدوسی‌تی برای تاریخ قائل نیست. برای او تاریخ چه می‌گوید مهم نیست، ما چه می‌خواهیم مهم است. و این یکی از مهمترین گوشه‌های ماتریالیسم پراتیک بعنوان کمونیس‌م دخالتگر و سیاسی برای تغییر جهان است. برای منصور حکمت وجود سرمایه داری و وجود جنبش طبقه کارگر برای دست بردن به انقلاب کمونیس‌تی کافی است. در نتیجه منصور حکمت نه به فرهنگ مردم، نه به سطح آگاهی آنها، نه به زنجیرها و قیود تاریخ توجه دارد بلکه با تلاش برای تغییر جامعه توسط پراتیک اجتماعی - طبقاتی تاریخ را شکل میدهد. یک تاکید و تز مهم کمونیس‌م و مندولوزی کمونیس‌تی منصور حکمت اینست که هیچ چیزی بیرون بشر اتفاق نمی‌افتاد. قرار نیست تاریخ بخودی خود به چیزی منجر شود، قرار نیست "تقی به توفی" بخورد و ما رستگار شویم! بشر اگر بخواهد میشود و اگر نخواهد نمیشود. در نتیجه نقش تصمیم، نقش انتخاب انسانها، دست بردن به عمل انقلابی و دخالتگری در سیاست برای تغییر اصل است و نه تاریخ. او علاقه ویژه‌ای دارد که کمونیس‌م با عباراتی مانند پراتیک، دخالتگر، انقلابی و سازش ناپذیر معرفی و شناخته شود.

بعنوان نظریه پرداز مارکسیست

منصور حکمت بعنوان یک تئوریسین و نظریه پرداز مارکسیست و دقیقا به اعتبار نگرش انتقادی - پراتیکی - انقلابی اش به جهان و جامعه و سنت‌های موجود، کارنامه درخشان و خود ویژه‌ای دارد. آثاری که از او بجا مانده است برای کارگر کمونیس‌ت قرن بیست و یکم یک گنجینه غنی آموزش و یک اسلحه مهم برای انقلاب کمونیس‌تی است. آثار منصور حکمت اساسا ویژگی ایرانی و کشوری ندارند و عمیقا ملهم از یک نگرش انترناسیونالیستی است که کارگر کمونیس‌ت در ایتالیا، انگلستان، آلمان و هر گوشه جهان میتواند پلانقرم و مبنای فعالیت کمونیس‌تی خود بکند.

معمولا کسانی پیدا میشوند که با یک نگرش پوزیتیویستی و از ته تاریخی به جوانی از دیدگاه‌ها و سیاست‌های آدم‌های مشهور ایراد می‌گیرند. اما اهمیت شخصیت‌های تاریخی را نمیتوان اینگونه تبیین و بررسی کرد. امروز کاپیتال و مانیفست مارکس هنوز جزو پرو فروش‌ترین کتاب‌هاست. کسی اهمیت مارکس را با بحث‌هایی که ممکن است امروز برای مبارزه سوسیالیستی موضوعیت خود را از دست داده باشد، نمی‌سنجد. اهمیت مارکس در بستن پرونده غول‌های فکری و فلسفی پیش از خود و بدست دادن نقدی جامع و محکم از سرمایه داری و راه حل برون رفت از آن از طریق یک انقلاب کمونیس‌تی است. یا بخشی از آثار لنین امروز موضوعیت خاصی برای کارگر کمونیس‌ت و جنبش سوسیالیستی قرن بیست و یکمی ندارد و یا ناکافی است. اما اهمیت لنین که داد دنیا و بورژوازی را در آورده و هنوز علیه اش تبلیغات شنیع میکنند اینها نیست. اهمیت لنین در اینست که نشان داد سوسیالیسم امکان پذیر است و با تلاش و نگرش انقلابی اش کوه یخ انترناسیونال دومی‌ها را در هم شکست و کمونیس‌م و بلشویسم را به امید رهائی بشر در جهان تبدیل کرد.

اهمیت منصور حکمت از زاویه تاریخی و کاری که انجام داد اینست که در تقابل با اردوگاه‌های قوی به اصطلاح سوسیالیستی و در تقابل با سنت گسترده چپ رادیکال ناسیونالیست و رفرمیست، کمونیس‌م متمایزی را به صحنه آورد. ترند سیاسی معتبری را شکل داد و

تفاوت‌های کمونیسم منصور حکمت

سخنرانی در لندن، ژوئن ۲۰۱۴...

دست بکار سر و سامان دادن به کمونیسم بعنوان جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر شد. کمونیسم منصور حکمت حاصل نقد و جمع‌بندی یک تاریخ طولانی غیر کارگری و غیر کمونیستی بعد لندن است. مائویسم بدون انقلاب چین اهمیتی پیدا نمی‌کرد، لنینیسم بدون انقلاب روسیه جایگاهی نمی‌یافت، اما کمونیسم منصور حکمت بدون جوش خوردن با واقعه ای تحت این پرچم، چپ را در ایران و منطقه زیر و رو کرده است. دیدگاه هایش از چنان انسجام و پیوستگی و استحکامی برخوردار است که ظرفیت این را دارد که با یک پیروزی کارگری مثلا در ایران منشاء انفجار مجدد جهانی کمونیسم شود.

نگرش انتقادی

از دیگر ویژگی های مهم کمونیسم منصور حکمت نگرش انتقادی و تقابل با درک غیر زنده از سیاست و جامعه و مبارزه طبقاتی است. یک مطالعه ساده آثار او، یا تجربه فردی کسانی که هم‌رزم منصور حکمت بودند، نشان می‌دهد که او در عین حال که خود پرچمدار و تدوین کننده سیاست ها و تئوری های این جنبش است، مرتبا برای پیشروی بازبینی می‌کند و بقولی اسلحه اش را نیز می‌کند و جلا می‌دهد. او شخصیتی است که همیشه ناراضی است و در هیچ دستاورد تئوریک یا پیروزی سیاسی جا خوش نمی‌کند. همیشه پیشقراول جلو رفتن است. همیشه می‌خواهد سنگر جدیدی را فتح کند. همیشه چهارچوب محکمتری به نگرش انتقادی اش می‌دهد. همیشه تر و تازه و زنده است. تا می‌خواهی روی مسئله ای متمرکز شوی و دوره ای کار کنی، طرح جدیدی و ایده جدیدی برای پیشرفت همان کار طرح می‌شود. نقد همواره عمیق و عمیق تر میشود. برای او هدف روشن است؛ نابودی نظام سرمایه داری از طریق یک انقلاب کارگری. در این مسیر با اینکه انسان بشدت پا رو زمین و ایژکتیوی است اما تسلیم شرایط و محدودیت ها نمیشود. برای او روشن است که شرایط و چهارچوب های تاریخی دامنه عمل فعالیت کمونیستی را مشروط می‌کند اما در عین حال برایش روشن است که این شرایط و چهارچوب ها را با پراتیک انقلابی می‌توان تغییر داد و برای تغییرش تلاش می‌کند. اینهم از همان درک عمیق و متدولوژی ماتریالیسم پراتیکش ناشی می‌شود.

یک مثال، احیای مارکسیسم در کشوری است که در آن سنت های کمونیسم موجود روسی و چینی و انواع گرایشات چپ رادیکال و ناسیونالیسم چپ حاکم اند. اینکار شبیه کوه کندن است. منصور حکمت به جنگ این پدیده وسیع می‌رود و موفق می‌شود. اما بمجرد اینکه موفق می‌شود با افتادگی خاصی می‌گوید اینکارها لازم بود و دفاع از مارکس و احیای آن ضروری بود اما این اگر به کارگری شدن بیشتر مارکسیسم و مارکسیست شدن بیشتر کارگر منجر نشود، چه فایده دارد؟ بلافاصله به نقد محدودیت های سنت ضد رویزیونیستی می‌نشیند و بحث را از چهارچوب قرائت از تئوری ها و انحرافات فکری به تقابل جنبش های متمایز اجتماعی می‌برد. از مارکسیسم انقلابی به کمونیسم کارگری شیفیت میکند و بحث را از تمایز عقیدتی- هویتی به تمایز اجتماعی - طبقاتی می‌برد.

کمونیسم خلاف جریانی

یک تفاوت دیگر منصور حکمت ویژگی خلاف جریان بودن آنست. منصور حکمت در ایران دو بار حزب کمونیستی تشکیل داد. شرایط اجتماعی تشکیل این دو حزب در دنیا نامساعدترین و بدترین و سخت ترین وضعیت است. یکی تشکیل حزب کمونیست ایران در دوره ای است که اساسا دوره قتل عام انقلابیون و کمونیست ها بعد از شکست انقلاب ۵۷ است. دوره ای که همه متواری می‌شدند و به بازبینی "اصلا انقلاب غلط بود" نشستند. دوره دیگر زمان فروپاشی دیوار برلین و اعلام پایان کمونیسم توسط بورژوازی در دنیا است. دوره ای که کرور کرور کمونیست ها و مارکسیست های سابق خودشان به تریبون نقد مارکس و کمونیسم و پرچمدار دمکراسی تاجرستی و ریگانیستی تبدیل شده بودند. منصور حکمت در این دوره حزب کمونیست کارگری را بنیان گذاشت. خلاف جریان بودن، تسلیم نشدن، سازش ناپذیری، انقلابیگری، امید بردن به دنیای یاس و ناامیدی و سنگربندی علیه بورژوازی از مشخصات کمونیسم منصور حکمت است.

کارگری بودن کمونیسم

کمونیسم قبل از منصور حکمت اساسا غیر کارگری است. او برای کارگری شدن کمونیسم، کل تاریخ و رگ و ریشه و فرمول ها و متدولوژی کمونیسم بورژوائی و چپ رادیکال را زیر و رو میکند تا تمایز سنت مارکسی و کارگری را تحکیم کند و این امر را در چهارچوب برنامه، تاکتیک، سیاست، فرهنگ، سبک کار، تئوری حزب، نوع سازماندهی، پایه اجتماعی و گوشه گوشه جنبش اش بسط می‌دهد. بخش وسیعی از آثار منصور حکمت، نقش کلیدی و منحصر بفردش در تشکیل سازمان ها و احزاب مهم کمونیستی در ایران تا آخرین سخنرانی هایش در پلنوم چهاردهم حزب کمونیست کارگری بر این امر تاکید دارد. برای منصور حکمت حزب کمونیستی تنها بعنوان حزبی کارگری معنی دارد که هدف بلافصلش سازماندهی انقلاب این طبقه برای برپائی جامعه ای کمونیستی است. این یک تفاوت مهم و اساسی کمونیسم منصور حکمت است.

کمونیسم انترناسیونالیستی

کمونیسم قبل از منصور حکمت ناسیونالیست است و افقی محدود و محلی و در مواردی قسمتی دارد. کمونیسم او برعکس، دشمن ناسیونالیسم است. منصور حکمت بویژه در دوره سقوط بلوک شرق و عروج ارتجاع قوم پرست و فاشیست، ناسیونالیسم را در بستر اصلی اش مورد تهاجم فکری و سیاسی قرار میدهد و همراه با آن جایگاه جناح چپ اش را هم روشن میکند. منصور حکمت برای دوره ای ناسیونالیسم را آنچنان در موضع دفاع می‌گذارد که ناسیونالیست بودن را حتی برای ناسیونالیست ها به فحش تبدیل میکند. کمونیسم منصور حکمت عمیقا انترناسیونالیست است و علیه قصابی ملی طبقه کارگر به ملت ها، قوم ها و هویت های کاذب ملی است. او در عین حال عمیقا سیاسی است و موانع و مسائل پیشاروی مبارزه و اتحاد کارگران را می‌شناسد و برای سوالات سیاسی مانند مسئله ملی راه حل می‌گذارد تا هم ناسیونالیسم را خلع سلاح و منزوی کند و هم شرایط بسط مبارزه طبقاتی و اتحاد کارگران را تسهیل کند.

کمونیسم ضد اسلامی

کمونیسم قبل از منصور حکمت یا خودش "سوسیالیسم اسلامی" است و شاخه منشعب از حزب ملل اسلامی و نهضت آزادی

تفاوت‌های کمونیسم منصور حکمت

سخنرانی در لندن، ژوئن ۲۰۱۴...

کمونیسم مدرن

کمونیسم منصور حکمت مدرن است. این مدرنیسم صرفاً در برخوردش به آزادی زن و یا مخالفتش با مذهب تبیین نمی‌شود. منصور حکمت مخالف عقاید و سنت‌های کهنه است و به پیشرفت، علم و تکنولوژی، فرهنگ آوانگارد، و هر تحولی که راه بشر را برای بهتر زیستن و آزادتر زیستن باز میکند بشدت علاقه دارد. نقدی که منصور حکمت به شرق زدگی و عقب ماندگی فکری و فرهنگی دارد و فجایی که این عقب ماندگی به زندگی واقعی انسانهای امروز تحمیل می‌کند، در قلمرو سیاست و برنامه و مطالباتی که پرچم مبارزه اند تجلی می‌یابد. برای منصور حکمت تبیین حق در چهارچوب‌های فرهنگی و ملی و پست مدرنیستی سر سوزنی اعتبار ندارد و از آن بعنوان آپارتاید فکری و فرهنگی نام می‌برد. این یک مدرنیسم سوسیالیستی است که کمونیسم او را برای جناح چپ جامعه غربی و کارگر کمونیست و مردم آزادیخواه بشدت جذاب می‌کند.

کمونیسم انسانگرا

و بالاخره کمونیسم منصور حکمت بشدت انسانگرا است. انسانگرایی عمیق او ریشه در انسانگرایی کمونیسم مارکس دارد و با اومانیسم سانتی مانند لیبرالیسم و لیبرالیسم چپ تفاوت ماهوی دارد. کم نبودن کسانی که مارکسیسم را به ادویه ای برای تند و تیز کردن لیبرالیسم و انقلابیگری غیر کارگری شان تبدیل میکنند. اما برای کمونیسم منصور حکمت انسان مقوله ای مجرد نیست. "ذات انسانی"، در جامعه طبقاتی، "ذات طبقاتی" و تعلق انسانهای کنکرت به طبقات اجتماعی متخاصم است. پراتیک انقلابی انسان بعنوان جزئی از طبقه اجتماعی معین در روابط اجتماعی معین در نظر گرفته می‌شود. منصور حکمت و خود مارکس علیه ابتذال لیبرالیسمی که با پرچم انسان منافع طبقه اش را پیش می‌برد می‌شورند و انسانیتی را تجسم می‌کنند که تحقق آن تنها در پایان دادن به طبقات و تضادهای طبقاتی است. این شرط آزادی جامعه و ایجاد شرایط و اجتماعی است که آزادی فرد شرط آزادی همگان باشد.

بعنوان جمع‌بندی

آن جمله معروف، "تمام فلاسفه به طرق مختلف جهان را تفسیر کرده اند، حال آنکه مسئله برسر تغییر آنست"، جوهر ماتریالیسم پراتیکی است که دو قطبی مکانیکی ماتریالیسم تفسیرگر، یعنی جهان بیرونی بعنوان واقعیت از یکسو و ذهن بعنوان آئینه ای که این واقعیت را منعکس و تفسیر میکند، را نمی‌پذیرد.

برای مارکس و لنین و منصور حکمت، جامعه و تفکر انسانی در حلقه پراتیک تحول بخش و انقلابی به هم پیوند می‌خورند. به این ترتیب ماتریالیسم پراتیک انسان را در جای واقعی اش در تاریخ خویش قرار می‌دهد. انسان دیگر نه متفکر و مفسر منفعل جهان عینی، بلکه نیروی تغییر دهنده جهان است. اوضاع عینی نه قیود اسارت، نه مقرراتی برای تبعیت برده وار، بلکه شرایطی برای فعالیت انسان و لذا زمینه اختیار و اقتدار اوست. این شرایط دامن تاریخی قدرت تغییر انسان را تعریف می‌کند، اما خود این دامن، خود این شرایط با پراتیک انسانی دگرگون می‌شود. انسان تحت شرایطی که خود تعیین نکرده است به سازنده تاریخ خویش تبدیل می‌شود. "ماتریالیسم پراتیک" دقیق ترین نامی است که می‌توان به نگرش انتقادی ویژه مارکس و منصور حکمت داد. و در مقیاسی تاریخی این یک اختلاف متولوژیک و دره عمیقی است که بین مارکس و فلاسفه پیشین، بین لنین و منشویسم، بین

است، یا "مولایش علی است"، و یا نسبت به اسلام و مذهب غیر انتقادی است و به "مذهب توده ها" تکریم میکند. کمونیسم منصور حکمت آگاهانه ضد دین است. نه فقط علیه جنبش اسلامی بعنوان یک جنبش سیاسی بورژوائی دوران معاصر، بلکه ضد اسلام است. برای او اسلام بخشی از لمپنیسم در جامعه است و پلاتفرم اسلام زدائی دارد. منصور حکمت حاکمیت دستگاه دین را در ردیف حاکمیت مافیا و مواد مخدر میداند و آگاهانه برای جمع کردن بساط آن تلاش میکند. منصور حکمت به سکولاریسم اکتفا نمیکند. زمانی تمایز مارکسیستها و لیبرالها برسر سکولار بودن جامعه نبود، برسر این بود که کمونیست ها علیه مناسبات ملکی جامعه بورژوائی بودند. اما کمونیسم منصور حکمت بدلیل نقش جدید مذهب در سیاست و خفقان و بردگی و توحشی که سرمایه بکمک آن ساخته است، آگاهانه علیه این سلاح سرمایه داری می‌جنگد و پلاتفرمش جارو کردن جنبش اسلامی است. اهمیت این تفاوت منصور حکمت وقتی بیشتر روشن می‌شود که دمکرات ترین و لیبرال ترین دولتهای غربی تا عمده چپ های غربی و جهان سومی تلاش دارند با جناحی از مذهب بسازند.

کمونیسم منتقد دمکراسی

یک تفاوت دیگر کمونیسم منصور حکمت برخوردش به مقوله دمکراسی است. منصور حکمت دمکراسی را به دیکتاتوری ترجیح میدهد اما چهارچوب دمکراسی را بعنوان تبیین بورژوا از آزادی نمی‌پذیرد. او می‌گوید طبقات اجتماعی و جنبش های سیاسی تفسیر خودشان را از آزادی دارند. اسم این آزادیخواهی عمیق برای ما سوسیالیسم است. منصور حکمت روایت بورژوازی از آزادی را نمی‌پذیرد و بویژه در جایی که دنیا زیر پرچم دمکراسی رژه می‌رود و دمکراسی پرچم حمله به کمونیسم است، دمکراسی را به ریشخند می‌گیرد و با نقد بنیادهای آن تفاوت عمیق آزادیخواهی سوسیالیستی و دمکراسی خواهی بورژوائی را ترسیم می‌کند.

انقلاب و اصلاحات

یک تفاوت دیگر کمونیسم منصور حکمت برخورد به اصلاحات و رفرم و تبیین رابطه انقلاب و اصلاحات است. برای او اصلاحات با انقلاب تناقضی ندارد و انقلاب بدون حاضر بودن در صف اول مبارزه برای بهبود و اصلاح وضع موجود به نفع کارگران و توده مردم غیر ممکن است. این جنبه که یکی از مهمترین ویژگی های کمونیسم منصور حکمت است موضوع بحث گسترده و بررسی تاریخی است. نکته مهم اینست که منصور حکمت نه انقلابیگری ای را قبول دارد که پرچم اصلاحات را دست بورژوازی داده است و نه تلاش برای ایجاد رفرم و اصلاح را با رفرمیسم یکی میداند. منطق و نگرش او در این زمینه زندگی و مبارزه واقعی و روزمره طبقه کارگر برای بهبود است. بزم منصور حکمت کمونیسم نمیتواند عنصر فعاله و همیشه درگیر مبارزه اقتصادی طبقه کارگر نباشد، چون این تعریف طبقه در جدال روزمره اش است. برای منصور حکمت مهم است که انسانهای معاصرش چگونه زندگی می‌کنند. او رابطه بسیار عمیقی بین بهبود و رفرم و تلاش برای تغییر ریشه ای و برگشت ناپذیر ایجاد میکند.

تفاوت‌های کمونیسم منصور حکمت

سخنرانی در لندن، ژوئن ۲۰۱۴...

منصور حکمت و کمونیسم بورژوائی و چپ رادیکال وجود دارد.

بهترین گرامی‌داشت منصور حکمت برافراشتن این پرچم انتقادی - پراتیکی، دخالتگری وسیع و انقلابی در سیاست و جامعه، تلاش برای کسب قدرت سیاسی و تغییر جامعه و تبدیل انسان به سازنده تاریخ خویش است. یاد منصور حکمت، ژوبین عزیز را با برافراشتن قدرتمند پرچم اش و تلاش برای پیروزی کمونیسم گرامی میداریم.

منتشکرم!

“انتخابات”

فراخون ما اینست که در مناسبت و فضای نمایش انتخابات حکومت جنایتکاران، فعالانه دخالت کنیم. صریح هر جا و همه جا بگویییم شرکت در این نمایش با هر توجیهی نادرست، ضد منافع مردم و در خدمت بقای حکومت اسلامی است. تائید گلوله هائی است که بر سر و تن عزیزان ما در آبانماه شلیک شد، تائید شکنجه و اعدام و سرکوب، تائید فقر و فلاکت و استبداد و آپارتاید است. در دیماه گفتیم: "اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا!!" در آبانماه آمدیم که ماجرا را تمام کنیم. کسی که انتظار دارد مردم در "انتخابات" شرکت کنند، اگر همدمت رژیم خامنه‌ای‌ها نباشد، بدون تردید با آنها منفعت مشترکی دارد. کسی که می‌رود "رای" میدهد، خواسته یا ناخواسته، حکومت قاتلین فرزندان مردم را تائید می‌کند.

حزب کمونیست کارگری - حکمیتست کارگران و مردم آزادیخواه ایران را فرامیخواند که نمایش "انتخابات" ریاست جمهوری و میان دوره ای مجلس و شورای های شهر و روستا را به اعتراضی گسترده و میلینانته علیه بنیادهای حکومت اسلامی بدل کنیم. انتخابات بازی تقسیم قدرت و کسب مشروعیت فرمال حکومتی‌ها و طبقه سرمایه دار است. ما این بازی را برهم می‌زنیم و سنگرهای خود را محکم می‌کنیم. همه جا پوسترها و بلبوردهای انتخاباتی را پاره کنید و آتش بزنید. هر تجمع و عوامفریبی کاندیداها را به صحنه اعتراض علیه حکومت تبدیل کنید. در شهر و روستا به افراد سودجو و فرصت طلبی که برای نشستن دور سفره خون برای عضویت در شورای اسلامی ثبت نام کرده اند هشدار دهید. هر جا که میتوانیم گوشمالی شان دهیم و اعلام کنیم اقدام آنها همکاری با جمهوری اسلامی است و باید پاسخگو باشند. هر کسی که برای حکومت تبلیغ میکند را از میان خود طرد کنید. اجازه ندهیم کارنوال انتخاباتی راه بیاندازند، تریبون بگیرند و چرند بگویند. هر تحرک "انتخاباتی" را به تعرضی قاطع تبدیل کنیم. در فضای انتخابات به اعتراض و اعتصاب کارگری دامن زنیم و بر تهیه لوازم زندگی و معیشت مکفی، برای دسترسی به دارو و درمان و بهداشت، بر حق واکسیناسیون فوری و رایگان همگانی تاکید کنیم.



نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمیتست

سردبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

هفتگی کمونیست

سردبیر در انتشار ورد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

www.hekmatist.org حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۱۴ خرداد ۱۴۰۰ - ۴ ژوئن ۲۰۲۱

گرامیداشت منصور حکمت



رهبر جنبش
کمونیسم کارگری
۱۹۵۱-۲۰۰۲

"هیچ زمان چون امروز شرایط برای تبدیل تئوری کمونیسم به یک نیروی مادی اجتماعی فراهم نبوده است. هیچ زمان چون امروز طبقه کارگر به کمونیسم و فقط به کمونیسم نیاز نداشته است. و هیچ زمان چون امروز شرایط مادی برای تبدیل کمونیسم به زنده ترین و قدرتمندترین جریان انترناسیونالیستی نبوده است. رشد و توسعه سرمایه داری، قدرت عقیم پروتاریا در تولید در تضاد جهانی، ورتکنیکی سیاسی تمام جریقی که کارگران را از انقلاب علیه کل نظام موجود برحذر میدانند همه گویای بناسیل عقیم کمونیسم کارگری است"

سمینار اول، چهارشنبه ۲ ژوئن ۲۰۲۱ ساعت ۱۹:۰۰

- کمونیسم کارگری ناسیونالیسم و ملت:
- پاسخ به چند مسئله گرهی سخنران: رحمان حسین زاده
- اسلام سیاسی و نگرش منصور حکمت سخنران: عبدالله دارابی
- منصور حکمت و کمونیسم در کردستان سخنران: صالح سرداری

www.hekmatist.org حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۱۴ خرداد ۱۴۰۰ - ۴ ژوئن ۲۰۲۱

گرامیداشت منصور حکمت



رهبر جنبش
کمونیسم کارگری
۱۹۵۱-۲۰۰۲

"هیچ زمان چون امروز شرایط برای تبدیل تئوری کمونیسم به یک نیروی مادی اجتماعی فراهم نبوده است. هیچ زمان چون امروز طبقه کارگر به کمونیسم و فقط به کمونیسم نیاز نداشته است. و هیچ زمان چون امروز شرایط مادی برای تبدیل کمونیسم به زنده ترین و قدرتمندترین جریان انترناسیونالیستی نبوده است. رشد و توسعه سرمایه داری، قدرت عقیم پروتاریا در تولید در تضاد جهانی، ورتکنیکی سیاسی تمام جریقی که کارگران را از انقلاب علیه کل نظام موجود برحذر میدانند همه گویای بناسیل عقیم کمونیسم کارگری است"

سمینار دوم، جمعه ۴ ژوئن ۲۰۲۱ ساعت ۱۹:۰۰

- "هدف وسیله را توجیه نمی کند"
- روش، سبک کار و اصول منصور حکمت سخنران: آذر عاجدی
- مسئله فلسطین و منصور حکمت سخنران: جمال کمانگر
- حزب و قدرت سیاسی سخنران: سیاوش دانشور

۱۹۵۱-۲۰۰۲

گرامیداشت منصور حکمت

رهبر جنبش کمونیسم کارگری

اساس سوسیالیسم انسان است. چه در ظرفیت جمعی و چه فردی. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است. جنبشی است برای خلاص کردن انسانها از اجبار اقتصادی و از اسارت در قالبهای از پیش تعیین شده تولیدی. جنبشی است برای از بین بردن طبقات و طبقه بندی انسانها. این شرط حیاتی شکوفایی فردی است.

۴ ژوئن ۲۰۲۱ - ۱۴ خرداد ۱۴۰۰

The basis of **Socialism** is the human being.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist



زنده باد سوسیالیسم!